ایران در نظم انرژی آینده

مرور ۳۱ گزارش از ۲۰ اندیشکده مطرح بین‌المللی درباره جایگاه ایران در سیاست انرژی آینده جهان

(استفاده از مطالب صرفا با ذکر منبع مجاز است.)

بخش‌های گزارش:

مقدمه
خلاصه مدیریتی
مقالات و یادداشت‌های اندیشکده‌های جهان درباره جایگاه ایران در سیاست انرژی آینده جهان
تحلیل محتوا و مضامین محتوا
جمع‌بندی و تحلیل راهبردی

رصد، ترجمه و تنظیم: گروه رصد بین‌الملل جامعه اندیشکده‌ها

آبان ۱۴۰۵

مقدمه

گزارش پیشرو ماحصل رصد و بررسی اندیشکده‌ها و مراکز مطالعاتی با موضوع مرور و بررسی جایگاه ایران در سیاست انرژی آینده جهان است که در قالب مقاله، یادداشت، گزارش ویژه و نشست یا پادکست منتشر کرده‌اند. همچنین گفتنی است که مبنای این گزارش، محتوای تولیدی صرفا مراکز مطالعاتی-اندیشکده‌ای است و نه خبرگزاری و وبگاه‌های تحلیلی در این حوزه.

انرژی در نظم بین‌المللی معاصر، صرفا کالایی اقتصادی یا موضوعی فنی نیست؛ بلکه یکی از پایه‌های اصلی قدرت ملی، امنیت اقتصادی و نفوذ ژئوپلیتیکی کشورها به شمار می‌رود. دسترسی پایدار به نفت، گاز، مسیرهای انتقال، زیرساخت‌های پالایش و شبکه‌های تجارت انرژی، بر توان رقابت صنعتی و ظرفیت اثرگذاری سیاسی دولت‌ها تاثیر مستقیم دارد. از این منظر، جایگاه ایران در سیاست‌گذاری انرژی آینده جهان باید در پیوند میان منابع هیدروکربنی، موقعیت جغرافیایی، امنیت دریایی، تحولات فن‌آوری و رقابت قدرت‌های بزرگ بررسی شود؛ نه صرفا از منظر میزان تولید و صادرات انرژی.

تنگه هرمز مهم‌ترین مولفه جغرافیایی در تحلیل موقعیت انرژی ایران است. برآورد آژانس بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۵ روزانه نزدیک به ۲۰ میلیون بشکه نفت خام و فرآورده‌های نفتی از این آبراه عبور کرده که حدود یک‌چهارم تجارت دریابرد نفت جهان را تشکیل می‌دهد. همچنین بخش مهمی از تجارت جهانی گاز طبیعی مایع از همین مسیر انجام می‌شود. محدودیت ظرفیت مسیرهای جایگزین، اهمیت هرمز را فراتر از محیط پیرامونی خلیج فارس می‌برد و هرگونه اختلال را به مسئله‌ای مرتبط با قیمت‌های جهانی و امنیت عرضه تبدیل می‌کند .

منابع بررسی‌شده نشان می‌دهند که رویکرد محافل سیاست‌گذاری غربی به ایران در حوزه انرژی، ترکیبی از نگرانی درباره امنیت عرضه، تلاش برای کاهش آسیب‌پذیری مسیرهای انتقال و ارزیابی اهرم‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی تهران است. برخی تحلیل‌ها بر محدودیت‌های نظامی و اقتصادی ایران تاکید می‌کنند و برخی دیگر، جغرافیای هرمز و پیوند آن با بازارهای آسیا را عامل مهمی در محاسبات راهبردی می‌دانند. این تفاوت دیدگاه‌ها بیانگر آن است که جایگاه ایران در معادلات انرژی، نه امری قطعی و تغییرناپذیر بلکه نتیجه تعامل ظرفیت‌های داخلی، سیاست خارجی، رفتار بازیگران منطقه‌ای و شرایط بازار جهانی است.

همزمان، سیاست انرژی جهان در حال تجربه تغییراتی ساختاری است. توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، افزایش بهره‌وری، برقی‌سازی حمل‌ونقل، تنوع‌بخشی به منابع گاز و نفت و ایجاد ذخایر راهبردی، ابزارهایی برای کاهش آسیب‌پذیری کشورها در برابر شوک‌های عرضه هستند. بااین‌حال، گذار انرژی به‌معنای حذف سریع نفت‌وگاز از اقتصاد جهانی نیست؛ زیرا صنایع پتروشیمی، حمل‌ونقل سنگین، تولید برق و بخش‌های صنعتی همچنان به حامل‌های هیدروکربنی وابستگی دارند. بنابراین، ایران باید هم تحولات کوتاه‌مدت بازارهای متعارف انرژی و هم تغییرات بلندمدت در الگوی مصرف و فن‌آوری را در محاسبات راهبردی خود لحاظ کند.

مسئله اصلی برای جمهوری اسلامی ایران، تبدیل ظرفیت‌های انرژی و موقعیت ژئوپلیتیکی به منافع پایدار اقتصادی و سیاسی است. اتکای صرف به اهمیت جغرافیایی یا نوسان قیمت نفت، بدون تقویت زیرساخت‌های صادراتی، تنوع‌بخشی به شرکای تجاری، اصلاح ناکارآمدی‌های داخلی و ایجاد سازوکارهای همکاری منطقه‌ای، نمی‌تواند مزیت بلندمدت تضمین‌شده‌ای ایجاد کند. ازاین‌رو، این گزارش جایگاه ایران را در چهار سطح بررسی می‌کند: اهمیت ساختاری تنگه هرمز، اثر تحریم‌ها و رقابت قدرت‌ها، مسیرهای جایگزین و گذار انرژی و گزینه‌های سیاستی برای افزایش تاب‌آوری و قدرت چانه‌زنی ایران در نظم آینده انرژی.

خلاصه مدیریتی

مهم‌ترین نتیجه مجموعه منابع آن است که موقعیت ایران در سیاست‌گذاری انرژی آینده جهان، بیش از هر چیز از پیوند میان جغرافیای راهبردی و وابستگی متقابل بازارهای جهانی ناشی می‌شود. تنگه هرمز یکی از گلوگاه‌های اصلی انتقال نفت‌وگاز است و ظرفیت محدود مسیرهای جایگزین، اهمیت آن را حفظ می‌کند. این مزیت، برای ایران امکان اثرگذاری بر محاسبات امنیت انرژی را فراهم می‌آورد؛ بااین‌حال، اهمیت جغرافیایی به‌تنهایی معادل قدرت اقتصادی پایدار نیست و میزان بهره‌مندی ایران از آن به کیفیت دیپلماسی، وضعیت زیرساخت‌ها و نحوه مدیریت تنش‌ها وابسته است.

استمرار اختلال در عبورومرور دریایی می‌تواند هزینه بیمه، حمل‌ونقل و تامین انرژی را افزایش دهد و بر قیمت جهانی نفت و گاز اثر بگذارد. بااین‌حال، چنین اختلالی فقط به رقبای ایران زیان نمی‌رساند؛ کشورهای صادرکننده منطقه، مصرف‌کنندگان آسیایی، زنجیره‌های صنعتی و اقتصاد ایران نیز از پیامدهای آن متاثر می‌شوند. بنابراین، تحلیل راهبردی باید میان ظرفیت بازدارندگی ناشی از موقعیت جغرافیایی و هزینه‌های اقتصادی ناشی از بی‌ثباتی تمایز بگذارد. رویکرد مطلوب، تقویت قدرت چانه‌زنی همراه با حفظ منافع اقتصادی بلندمدت و جلوگیری از انزوای پایدار بازار انرژی ایران است.

مسیرهای جایگزین صادرات نفت از جمله خطوط لوله عربستان و امارات و طرح‌های پیشنهادی برای انتقال نفت عراق از مسیر ترکیه، اردن یا مدیترانه، نشان می‌دهند که کشورهای منطقه در پی کاهش وابستگی به هرمز هستند. بااین‌حال، ظرفیت عملیاتی، هزینه سرمایه‌گذاری، ملاحظات امنیتی و محدودیت‌های جغرافیایی، جایگزینی کامل این آبراه را دشوار می‌سازد. برای ایران، این روند هشداری راهبردی است: مزیت جغرافیایی نباید ثابت فرض شود؛ بلکه باید با توسعه زیرساخت، همکاری همسایگان و افزایش نقش کشور در زنجیره‌های تولید و تجارت انرژی پشتیبانی شود.

تحریم‌های نفتی و محدودیت‌های مالی، توان ایران برای جذب سرمایه، نوسازی تاسیسات، گسترش صادرات رسمی و بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های انرژی را محدود می‌کنند. در مقابل، پیوندهای تجاری با آسیا، به‌ویژه چین، برای حفظ بخشی از جریان صادرات اهمیت دارند. بااین‌حال، تمرکز بر تعداد محدودی خریدار و کانال تجاری، خطر وابستگی نامتوازن و کاهش قدرت چانه‌زنی را افزایش می‌دهد. راهبرد مناسب باید بر تنوع‌بخشی به بازارها، توسعه همکاری‌های فن‌آورانه، افزایش شفافیت تجاری و ایجاد شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی متمرکز باشد.

گذار جهانی انرژی، هم تهدید و هم فرصت برای ایران است. کاهش تدریجی شدت مصرف سوخت‌های فسیلی در برخی اقتصادها می‌تواند در بلندمدت بر رشد تقاضای نفت اثر بگذارد؛ اما نیاز به گاز، محصولات پالایشی و خوراک پتروشیمی در بسیاری از بازارها همچنان مهم است. ایران می‌تواند با ارتقای بهره‌وری، کاهش اتلاف گاز، نوسازی شبکه برق، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و بهبود فن‌آوری استخراج و پالایش، هم مصرف داخلی را مدیریت کند و هم ظرفیت صادراتی خود را افزایش دهد. اصلاحات داخلی، پیش‌شرط بهره‌برداری موثر از فرصت‌های بیرونی است.

جهت‌گیری راهبردی پیشنهادی، انتقال تمرکز از اتکای صرف به اهرم جغرافیایی به سمت ترکیب متوازن قدرت ژئوپلیتیکی، توان اقتصادی، تاب‌آوری زیرساختی و دیپلماسی انرژی است. ایران می‌تواند با کشورهای ساحلی خلیج فارس و عمان درباره ایمنی دریانوردی، مدیریت بحران و حفاظت از زیرساخت‌ها گفت‌وگو کند و همزمان همکاری‌های انرژی با آسیا و همسایگان را گسترش دهد. هدف باید تثبیت جایگاه ایران به‌عنوان بازیگری اثرگذار و قابل تعامل در امنیت انرژی منطقه باشد؛ جایگاهی که از ظرفیت‌های ملی حفاظت کند و هزینه‌های ناشی از تنش‌های مداوم را کاهش دهد.

مقالات و یادداشت‌ها

ضریب قدرت ایران: رصد پیامدهای جنگ بر حوزه دریانوردی و انرژی

موسسه واشنگتن – 23 مارس 2026

این گزارش به بررسی تاثیر جنگ بر تردد دریایی و جریان انرژی در خلیج فارس و نقش تنگه هرمز در معادلات منطقه‌ای و جهانی می‌پردازد. به روایت نویسنده، ایران با تاثیرگذاری بر عبور کشتی‌ها از این گذرگاه راهبردی، بر صادرات نفت‌وگاز کشورهای منطقه و امنیت انرژی بازارهای جهانی اثر گذاشته است. پیش از جنگ، بارگیری روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت خام، میعانات و فرآورده‌های نفتی غیرایرانی در منطقه انجام می‌شد و صادرات گاز طبیعی مایع خلیج فارس نیز حدود ۲۰ درصد عرضه جهانی را تشکیل می‌داد. گزارش تاکید می‌کند که اختلال در این جریان‌ها، علاوه‌بر افزایش نگرانی‌های بازار، بر تولید، پالایش و حمل‌ونقل انرژی تاثیر می‌گذارد.

گزارش توضیح می‌دهد که پیامدهای اختلال دریایی صرفا به بازار نفت محدود نیست و صادرات گاز، حمل محموله‌های گاز مایع و فعالیت زیرساخت‌های انرژی را نیز دربرمی‌گیرد. وابستگی کشورهای آسیایی به منابع خلیج فارس، به‌ویژه در حوزه نفت‌وگاز، اهمیت این تحولات را افزایش داده است؛ چنانکه هند و ژاپن برای تامین امنیت عبور کشتی‌های خود به تعامل با تهران روی آورده‌اند. نویسنده همچنین به مسیرهای جایگزین انتقال نفت عربستان و امارات و احتمال گسترش اختلال‌ها به دریای سرخ اشاره می‌کند. از دیدگاه نویسنده این گزارش، تداوم بحران می‌تواند بر تصمیم‌های امنیتی و انرژی کشورها اثر بگذارد و ضرورت کاهش تنش دریایی و دستیابی به راه‌حل دیپلماتیک را برجسته سازد.

مخاطرات انرژی و کشتیرانی در جنگ ایران

موسسه واشنگتن – 9 مارس 2026

این گزارش حاصل نشست تخصصی موسسه واشنگتن درباره پیامدهای جنگ بر تولید انرژی و حمل‌ونقل دریایی در خلیج فارس است. به گفته کارشناسان، آسیب به تاسیسات نفتی عربستان‌سعودی، قطر، عراق، بحرین و ایران، همراه با محدودیت تردد در تنگه هرمز، جریان عرضه انرژی را مختل کرده است. بر اساس داده‌های نقل‌شده از موسسه اس‌اندپی گلوبال، بارگیری نفت از بنادر اصلی خلیج فارس از حدود ۱۰ تا ۱۹ میلیون بشکه در روز پیش از بحران به حدود سه میلیون بشکه کاهش یافته بود. گزارش همچنین بر محدودیت مسیرهای جایگزین و دشواری بازگشت تاسیسات تعطیل‌شده به چرخه تولید تاکید دارد.

همچنین، گزارش بر اهمیت ژئوپلیتیکی تنگه هرمز و تاثیر تصمیم‌ها و توانمندی‌های ایران بر ارزیابی ریسک بازارهای جهانی تاکید می‌کند. به روایت کارشناسان، حدود ۹۰ درصد صادرات انرژی خاورمیانه راهی بازارهای آسیایی می‌شود و چین و هند به‌ترتیب حدود ۴۵ و ۵۰ درصد نفت موردنیاز خود را از منطقه تامین می‌کنند. ادامه اختلال می‌تواند قیمت نفت‌وگاز، هزینه بیمه کشتی‌ها و تصمیم‌های دولت‌ها درباره ذخایر راهبردی و منابع جایگزین را تحت تاثیر قرار دهد. گزارش همچنین احتمال تسهیل صادرات نفت ایران از طریق ترتیبات محدودکننده درآمد را مطرح می‌کند؛ موضوعی که پیوند میان تحریم‌ها، امنیت عرضه و سیاستگذاری انرژی را نشان می‌دهد.

چرا فشارهای نفتی بر ایران لزوما به تسلیم منجر نمی‌شود؟

موسسه خاورمیانه – 29 آوریل 2026

این مقاله به بررسی محدودیت‌های راهبرد فشار بر صنعت نفت ایران و این فرض می‌پردازد که کاهش صادرات و تولید نفت می‌تواند تهران را به پذیرش خواسته‌های آمریکا وادار کند. نویسنده توضیح می‌دهد که تداوم محدودیت‌های صادراتی ممکن است طی هفته‌ها یا ماه‌ها، ظرفیت ذخیره‌سازی ایران را تحت فشار قرار دهد و به کاهش تولید برخی میدان‌ها بینجامد. بااین‌حال، زمان‌بندی و شدت این پیامدها به عواملی مانند میزان مصرف داخلی، ظرفیت ذخیره‌سازی، مسیرهای جایگزین صادرات و امکان دورزدن تحریم‌ها بستگی دارد. مقاله همچنین تاکید می‌کند که اختلال در تنگه هرمز، بحرانی منطقه‌ای است و سایر صادرکنندگان خلیج فارس نیز از آن آسیب می‌بینند.

نویسنده میان آسیب به زیرساخت‌های صادراتی و افت احتمالی ظرفیت تولید میدان‌های نفتی تمایز قائل می‌شود و توضیح می‌دهد که تعطیلی طولانی‌مدت چاه‌ها ممکن است بازگشت تولید را دشوار یا پرهزینه کند؛ بااین‌حال، میزان خسارت به ویژگی‌های زمین‌شناختی میدان‌ها و نحوه توقف و راه‌اندازی مجدد آنان وابسته است. مقاله نشان می‌دهد که ظرفیت تولید و صادرات نفت، موقعیت جغرافیایی و وابستگی بازارها به تنگه هرمز بر محاسبات انرژی و امنیتی کشورها اثر می‌گذارند. همچنین، نویسنده هشدار می‌دهد که فشار اقتصادی الزاما به امتیازدهی سیاسی منجر نمی‌شود و ارزیابی نقش نفت ایران باید همزمان عوامل فنی، منطقه‌ای و محاسبات تصمیم‌گیران را در نظر بگیرد.

مرور تحولات انرژی خاورمیانه در سه‌ماهه دوم ۲۰۲۶: خاورمیانه در عصر تنگه هرمز

موسسه خاورمیانه – 5 اوت 2026

این گزارش تحولات انرژی خاورمیانه در فاصله آوریل تا ژوئن ۲۰۲۶ را از منظر سیاست‌گذاری، امنیت انرژی و بازارها بررسی می‌کند. نویسنده توضیح می‌دهد که با وجود افزایش تدریجی تردد نفتکش‌ها در تنگه هرمز و امضای تفاهم‌نامه ایران و آمریکا در اسلام‌آباد در اواسط ژوئن، ازسرگیری درگیری‌ها و توقف مجدد عبور دریایی، بحران انرژی را دوباره تشدید کرد. گزارش نشان می‌دهد که دسترسی به مسیرهای صادراتی جایگزین، به‌ویژه برای عربستان‌سعودی و امارات، به عاملی تعیین‌کننده در تاب‌آوری انرژی تبدیل شده است؛ بااین‌حال، حملات به خطوط لوله و پایانه‌های جایگزین نشان می‌دهد که هیچ مسیر انتقالی مصون از اختلال نیست .

در بخش مربوط به ایران، گزارش آینده صادرات نفت کشور را به سه عامل اصلی مرتبط می‌داند: سیاست تحریم‌های آمریکا، دسترسی به مسیرهای صادراتی و امکان بازگشت به بازار رسمی جهانی. به روایت نویسنده، سال‌ها تحریم، تجارت نفت ایران را به شبکه‌هایی پیچیده و عمدتا متکی‌بر پالایشگاه‌های مستقل چین سوق داده است؛ وضعیتی که بازگشت خریداران آسیایی به معاملات آشکار را دشوار می‌کند. گزارش همچنین وابستگی تولیدکنندگان عضو اوپک‌پلاس به عبور نفت از تنگه هرمز و افزایش نقش ذخایر راهبردی کشورهای مصرف‌کننده، به‌ویژه چین، را بررسی می‌کند. در مجموع، جایگاه آینده ایران در بازار انرژی به تحولات امنیتی منطقه، دوام یا رفع تحریم‌ها و تغییر راهبردهای عرضه و تقاضای جهانی وابسته خواهد بود.

پیامدهای ایران برای امنیت انرژی جهانی و گذار انرژی

موسسه E3G - 11 مارس 2026

این گزارش پیامدهای حملات آمریکا و اسرائیل به ایران و گسترش درگیری‌های منطقه‌ای را برای امنیت انرژی جهان بررسی می‌کند. نویسندگان توضیح می‌دهند که بحران در مرحله نخست، بیش از آنکه مستقیما تولید انرژی را مختل کند، انتقال آن را از مسیرهای دریایی تحت تاثیر قرار می‌دهد. حدود ۲۰ درصد تجارت جهانی نفت و نزدیک به ۲۰ درصد محموله‌های گاز طبیعی مایع از تنگه هرمز عبور می‌کنند؛ بنابراین، تداوم اختلال در این گذرگاه می‌تواند بحران حمل‌ونقل را به شوکی گسترده در عرضه جهانی تبدیل کند. مدت بحران نیز در تعیین شدت افزایش قیمت‌ها و احتمال کمبود واقعی انرژی نقش اساسی دارد.

گزارش میان پیامدهای کوتاه‌مدت بحران و تغییرات ساختاری بلندمدت تمایز می‌گذارد. در کوتاه‌مدت، افزایش قیمت نفت‌وگاز ممکن است دولت‌ها را به افزایش تولید سوخت‌های فسیلی یا پرداخت یارانه سوق دهد؛ اما تکرار اختلال‌های ژئوپلیتیکی می‌تواند سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر، برقی‌سازی، بهره‌وری و ذخیره‌سازی را تقویت کند. برای ایران، این روند نشان می‌دهد که اهمیت جغرافیایی و نقش آن در مسیرهای انتقال انرژی می‌تواند بر محاسبات امنیتی و اقتصادی کشورها اثر بگذارد؛ درعین‌حال، شتاب‌گرفتن گذار انرژی ممکن است در بلندمدت وابستگی واردکنندگان به سوخت‌های فسیلی منطقه را کاهش دهد.

محیط امنیتی خاورمیانه

بنیاد هریتج – 15 آوریل 2026

این گزارش بنیاد هریتیج، محیط امنیتی خاورمیانه را با تاکید بر منافع راهبردی آمریکا، رقابت منطقه‌ای و اهمیت منابع انرژی بررسی می‌کند. نویسندگان، خاورمیانه را به‌دلیل برخورداری از منابع عمده نفت‌وگاز و قرارگرفتن در مسیرهای مهم تجارت دریایی، منطقه‌ای اثرگذار بر امنیت اقتصادی و نظامی جهان معرفی می‌کنند. در این چارچوب، تنگه هرمز جایگاهی محوری دارد؛ بر اساس داده‌های اداره اطلاعات انرژی آمریکا که در گزارش نقل شده، متوسط جریان نفت از این گذرگاه در سال ۲۰۲۴

حدود ۲۰/۳ میلیون بشکه در روز بوده است؛ حجمی معادل تقریبا یک‌پنجم عرضه جهانی نفت. نزدیکی جغرافیایی ایران به این مسیر، آسیب‌پذیری آن را در برابر تنش‌های منطقه‌ای افزایش می‌دهد.

در بخش مربوط به صادرات نفت ایران، گزارش بیان می‌کند که نفت در سال ۲۰۲۴ حدود ۵۷ درصد درآمد صادراتی کشور را تشکیل می‌داد و چین مقصد اصلی صادرات دریایی نفت ایران بود؛ به‌گونه‌ای که سهم این کشور حدود ۹۰ درصد برآورد شده است. نویسندگان توضیح می‌دهند که تخفیف‌های فروش، ترتیبات مالی جایگزین و شبکه‌های حمل‌ونقل به تداوم صادرات ایران در شرایط تحریم کمک کرده‌اند، هرچند تحریم‌های آمریکا هزینه تجارت نفت را افزایش داده‌اند. گزارش همچنین به افزایش تولید نفت ایران از حدود ۴۴۵ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۲۰ به نزدیک ۱/۴۸ میلیون بشکه در سال ۲۰۲۴ اشاره می‌کند. از این منظر، آینده نقش ایران در بازار انرژی به ظرفیت تولید، روابط تجاری با چین، محدودیت‌های تحریمی و امنیت مسیرهای دریایی وابسته است.

چگونه جنگ ایران می‌تواند به بحران انرژی در اروپا منجر شود؟

شورای آتلانتیک – 17 مارس 2026

این مقاله بررسی می‌کند که چگونه جنگ ایران و اختلال در تردد دریایی تنگه هرمز می‌تواند امنیت انرژی اروپا را تحت فشار قرار دهد. به روایت نویسنده، چالش فوری اروپا صرفا افزایش قیمت جهانی نفت نیست بلکه تامین محموله‌های گاز طبیعی مایع برای پُرکردن ذخایر گازی پیش از فصل سرد نیز اهمیت دارد. توقف تولید گاز قطر، یکی از تامین‌کنندگان مهم بازار جهانی گاز مایع، می‌تواند فرصت محدود ذخیره‌سازی اروپا را کاهش دهد؛ زیرا فصل تزریق گاز به مخازن معمولا از آوریل تا نوامبر ادامه دارد. در چنین شرایطی، رقابت خریداران اروپایی و آسیایی برای محموله‌های موجود تشدید می‌شود و هزینه تامین انرژی افزایش می‌یابد.

نویسنده دو پیامد اصلی برای اروپا ترسیم می‌کند: کمبود فیزیکی گاز در صورت ناکافی‌بودن محموله‌های موجود، یا افزایش شدید قیمت‌ها در صورت تداوم عرضه با هزینه بالاتر. بازگشت به واردات گاز روسیه نیز، با توجه به ملاحظات سیاسی و تلاش‌های اروپا برای تنوع‌بخشی به منابع انرژی، گزینه‌ای پیچیده ارزیابی می‌شود. نویسنده در این مقاله نشان می‌دهد که تحولات امنیتی پیرامون ایران و تنگه هرمز می‌توانند بر تصمیم‌های وارداتی اروپا، رقابت جهانی برای خرید گاز مایع و هزینه‌های صنایع و خانوارها اثر بگذارند. این وضعیت همچنین اهمیت تنوع‌بخشی به منابع، مسیرهای انتقال و افزایش تاب‌آوری انرژی را در راهبرد بلندمدت اروپا برجسته می‌کند.

نفت برای تهران، نه برای ما: پایان‌دادن به محدودیت‌های ایران بر جریان جهانی انرژی

جینسا – 8 جولای 2026

این گزارش از «موسسه یهودی امنیت ملی آمریکا» (JINSA) پیامدهای رفع موقت محاصره دریایی ایران و تعلیق بخشی از تحریم‌های نفتی آمریکا را بر صادرات انرژی و تردد دریایی بررسی می‌کند. بنا بر برآورد این موسسه، ایران پس از تفاهم‌نامه ژوئن ۲۰۲۶ و فراهم‌شدن امکان فروش نفت، در کمتر از یک ماه نزدیک به پنج میلیارد دلار از صادرات نفت و عوارض عبور نفتکش‌ها درآمد کسب کرده است. گزارش می‌گوید صادرات ایران در این دوره به‌سرعت افزایش یافت، درحالیکه عبور محموله‌های نفتی سایر کشورهای منطقه از تنگه هرمز همچنان پایین‌تر از سطح پیش از جنگ باقی ماند. این وضعیت، از دید نویسندگان، نشان‌دهنده پیوند میان تحریم‌ها، درآمدهای نفتی ایران و امنیت حمل‌ونقل انرژی است.

نویسنده استدلال می‌کند که محدودیت تردد در تنگه هرمز، علاوه‌بر صادرات نفت ایران، بر عرضه جهانی نفت، هزینه حمل‌ونقل و امنیت تامین انرژی در کشورهای واردکننده، به‌ویژه در آسیا، اثر می‌گذارد. طبق داده‌های نقل‌شده در گزارش، در هفته نخست پس از تفاهم‌نامه، میانگین عبور نفت غیرایرانی از تنگه به حدود ۴/۸ میلیون بشکه در روز رسید؛ رقمی کمتر از یک‌سوم سطح پیش از جنگ که در گزارش حدود ۱۵ میلیون بشکه در روز ذکر شده است. این موسسه خواستار بازگشت فشارهای تحریمی و دریایی آمریکا شده است؛ موضعی که باید در چارچوب رویکرد سیاستی آن در قبال ایران خوانده شود. در مجموع، گزارش نشان می‌دهد که نقش آینده ایران در بازار انرژی به تعامل میان ظرفیت صادراتی، محدودیت‌های تحریمی، امنیت تنگه هرمز و واکنش کشورهای مصرف‌کننده وابسته خواهد بود.

بحران تنگه هرمز: پیامدهای اقتصادی جهانی

موسسه مطالعات امنیت ملی (INSS) – 31 مه 2026

این گزارش تعاملی، پیامدهای اقتصادی بسته‌شدن تنگه هرمز را در بازارهای جهانی انرژی و زنجیره‌های تامین بررسی می‌کند. نویسندگان توضیح می‌دهند که اختلال در این گذرگاه، علاوه‌بر تجارت نفت خام و گاز طبیعی مایع، تولید و انتقال مواد مهمی مانند هلیوم، محصولات پتروشیمی، کودهای شیمیایی و آلومینیوم را نیز تحت تاثیر قرار داده است. این مواد در صنایعی نظیر نیمه‌رساناها، هوافضا، خودروسازی و زیرساخت‌های هوش مصنوعی کاربرد دارند. گزارش یادآور می‌شود که نزدیک به

یک‌چهارم تجارت دریابرد نفت جهان از تنگه هرمز عبور می‌کند؛ بنابراین، اختلال در این مسیر می‌تواند از بازار انرژی فراتر رود و به زنجیره‌های صنعتی و غذایی جهان سرایت کند.

گزارش به تلاش عربستان‌سعودی و امارات‌متحده‌عربی برای توسعه مسیرهای جایگزین صادرات نفت از جمله خط لوله شرق به غرب عربستان به‌سوی دریای سرخ و خط لوله حبشان–فجیره امارات، اشاره می‌کند. بااین‌حال، آسیب‌پذیری زیرساخت‌های جایگزین و هدف قرارگرفتن برخی از این مسیرها نشان می‌دهد که تنوع‌بخشی به انتقال انرژی نیز محدودیت‌هایی دارد. درباره ایران، نویسندگان بر تلاش تهران برای تبدیل موقعیت جغرافیایی خود در تنگه هرمز به اهرمی اقتصادی و سیاسی از جمله از طریق مطرح‌کردن دریافت عوارض عبور، تاکید می‌کنند. این تحولات نشان می‌دهد که جایگاه ایران نه‌فقط به حجم تولید و صادرات نفت و گاز، بلکه به امنیت مسیرهای دریایی، واکنش کشورهای منطقه و تصمیم مصرف‌کنندگان برای کاهش آسیب‌پذیری زنجیره‌های تامین وابسته است.

روز پس از هرمز: آیا کشورهای خلیج فارس می‌توانند از وابستگی به این گلوگاه رهایی یابند؟

موسسه مطالعات امنیت ملی (INSS) – 16 سپتامبر 2026

این مقاله پیامدهای جنگ با ایران را برای امنیت انرژی و ارتباط اقتصادی کشورهای خلیج فارس با بازارهای جهانی بررسی می‌کند. نویسنده توضیح می‌دهد که تنگه هرمز صرفا مسیری برای انتقال نفت‌وگاز نیست، بلکه گذرگاهی حیاتی برای تجارت گسترده‌تر منطقه به شمار می‌رود. بحران نشان داده است که مسیرهای جایگزین موجود، اگرچه می‌توانند بخشی از جریان صادرات را حفظ کنند، توان جایگزینی کامل تنگه را ندارند. انتقال نفت عربستان از طریق خط لوله شرق به غرب به بندر ینبع، وابستگی بیشتری به دریای سرخ و تنگه باب‌المندب ایجاد می‌کند؛ مسیری که خود با تهدیدهای امنیتی مواجه است. همچنین، بندر فجیره امارات راه‌حلی محدود فراهم می‌کند و برای صادرات گاز طبیعی مایع قطر، مسیر جایگزین مستقیمی وجود ندارد.

همچنین، مقاله نشان می‌دهد که حتی پس از پایان درگیری‌ها، موقعیت جغرافیایی تنگه هرمز می‌تواند همچنان بر تصمیم‌های راهبردی کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده اثر بگذارد. به باور نویسنده، هدف واقع‌بینانه کشورهای خلیج فارس حذف کامل وابستگی به این گذرگاه نیست بلکه ایجاد گزینه‌های بیشتر برای انتقال انرژی، حفاظت از زیرساخت‌ها و کاهش آسیب‌پذیری در برابر اختلال‌های احتمالی است. در نتیجه، نقش آینده ایران در معادلات انرژی منطقه با امنیت کشتیرانی، ظرفیت خطوط لوله جایگزین، وضعیت باب‌المندب و چگونگی تنظیم ترتیبات منطقه‌ای برای مدیریت تنگه هرمز پیوند خواهد داشت.

توافق ایران و آمریکا؛ پرسش‌های کلیدی درباره وضعیت تنگه هرمز همچنان باقی است

موسسه نیروهای مسلح متحده سلطنتی (راسی) – 19 ژوئن 2026

این مطلب به بررسی ابهام‌های باقی‌مانده درباره وضعیت تنگه هرمز پس از توافق ایران و آمریکا و پیامدهای آن برای جریان جهانی انرژی می‌پردازد. نویسنده توضیح می‌دهد که حتی در صورت بازگشایی مسیر دریایی، بازگشت بازارها به شرایط عادی به زمان نیاز دارد؛ زیرا عبور شمار کافی از نفتکش‌ها، جبران ذخایر مصرف‌شده و بازگشت پالایشگاه‌ها به فعالیت عادی یا استفاده مجدد از نفت خام خاورمیانه، فرآیندی چندماهه و احتمالا بیش از یک‌ساله خواهد بود. بنابراین، توافق سیاسی به‌تنهایی برای رفع فوری اختلال‌های زنجیره تامین انرژی کافی نیست و روند احیای تجارت دریایی به شرایط عملیاتی و امنیتی وابسته خواهد ماند.

این کارشناس درباره گاز طبیعی مایع نیز تاکید می‌کند که راه‌اندازی مجدد واحدهای مایع‌سازی ممکن است چند هفته زمان ببرد اما تعمیر دو واحد آسیب‌دیده می‌تواند دست‌کم یک سال یا چند سال طول بکشد. این تاخیرها بر میزان عرضه جهانی گاز و توانایی خریداران برای تامین نیازهای خود اثر می‌گذارند. این نوشتار نشان می‌دهد که وضعیت تنگه هرمز و پایداری توافق‌های سیاسی، فراتر از صادرات مستقیم ایران، بر زمان‌بندی احیای عرضه نفتوگاز، بازسازی ذخایر و تصمیم‌های پالایشگاه‌ها در کشورهای واردکننده اثر دارد. در نتیجه، امنیت مسیرهای دریایی و قابلیت اطمینان عرضه از عوامل مهم در بازنگری راهبردهای انرژی کشورها خواهند بود.

تامین امنیت تنگه هرمز در زمان جنگ: گزینه‌های نظامی و چالش‌های راهبردی

موسسه مطالعات راهبردی بین‌الملل (IISS) - 18 مارس 2026

این نشست تخصصی موسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی به بررسی گزینه‌های نظامی و چالش‌های تامین امنیت تنگه هرمز در جریان جنگ ایران می‌پردازد. طبق توضیحات این موسسه از نشست، حملات به زیرساخت‌های انرژی و پالایشگاهی در خلیج فارس و اختلال در عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز، عرضه جهانی نفت، گاز طبیعی مایع، کودهای شیمیایی و فرآورده‌های نفتی را تحت تاثیر قرار داده است. حملات به کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها نیز موجب کاهش تمایل شرکت‌های کشتیرانی به عبور از این مسیر شده و برخی تولیدکنندگان منطقه را به اعلام وضعیت اضطراری واداشته است. در این چارچوب، نشست به بررسی دشواری‌های عملیاتی بازگرداندن آزادی کشتیرانی و محدودیت‌های اقدامات نظامی می‌پردازد.

کارشناسان نشست تاکید می‌کنند که حفاظت از تردد دریایی در تنگه هرمز مستلزم بررسی همزمان توانمندی‌های نظامی ایران، ظرفیت ائتلاف‌های بین‌المللی و خطرهای ناشی از موشک‌های ضدکشتی، پهپادها، شناورهای تندرو و مین‌های دریایی است. به‌رغم آسیب‌دیدن بخشی از توان دریایی متعارف ایران، این کشور همچنان می‌تواند از ابزارهای نامتقارن برای تهدید کشتیرانی استفاده کند؛ ازاین‌رو، بازگشایی مسیر با عملیات نظامی ساده و کم‌هزینه‌ای همراه نخواهد بود. این بحث نشان می‌دهد که امنیت تنگه هرمز و ارزیابی خطرهای عبور از آن می‌تواند بر قیمت انرژی، هزینه بیمه و حمل‌ونقل، تصمیم‌های کشورهای واردکننده و تلاش برای ایجاد مسیرهای جایگزین انتقال نفت و گاز اثر بگذارد.

تنگه هرمز: کانون تنش دریایی میان ایران و آمریکا

شورای روابط خارجی – 15 جولای 2026

این مقاله شورای روابط خارجی آمریکا به اهمیت راهبردی تنگه هرمز در مناقشه ایران و آمریکا و پیامدهای آن برای بازار جهانی انرژی می‌پردازد. بر اساس داده‌های اداره اطلاعات انرژی آمریکا، در نیمه نخست سال ۲۰۲۵ روزانه نزدیک به ۲۱ میلیون بشکه نفت خام و فرآورده‌های نفتی از این گذرگاه عبور می‌کرد که تقریبا معادل یک‌پنجم عرضه جهانی نفت و گاز است. مقاله توضیح می‌دهد که پس از آغاز حملات نظامی در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، تردد کشتی‌ها به‌شدت کاهش یافت و افزایش قیمت انرژی، تغییر مسیر نفتکش‌ها و بالا رفتن هزینه حمل‌ونقل، بازارهای جهانی و کشورهای واردکننده، به‌ویژه در آسیا، را تحت تاثیر قرار داد.

نویسنده این نوشتار توضیح می‌دهد که ایران از موقعیت جغرافیایی خود در تنگه هرمز به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار در مناقشه با آمریکا استفاده کرده است؛ اقدامی که در کنار محاصره دریایی آمریکا و حملات متقابل، چشم‌انداز بازگشت پایدار کشتیرانی به شرایط عادی را پیچیده می‌کند. مقاله به اختلاف بر سر دریافت عوارض عبور، مین‌های دریایی و تهدید کشتی‌های تجاری اشاره دارد و تاکید می‌کند که حتی بازگشایی مسیر نیز برای احیای سریع بازار انرژی کافی نیست. این تحولات می‌تواند دولت‌ها را به تقویت ذخایر راهبردی، توسعه خطوط لوله جایگزین و کاهش وابستگی به مسیرهای آسیب‌پذیر سوق دهد؛ روندی که بر اهمیت ژئوپلیتیکی ایران و در عین حال بر تلاش سایر کشورها برای کاهش این وابستگی اثر می‌گذارد.

آیا جنگ ایران ارزشش را دارد؟ شش ماه بعد، پاسخ همچنان منفی است

مرکز استیمسون – 22 سپتامبر 2026

این گزارش پیامدهای نظامی، اقتصادی و انسانی جنگ آمریکا با ایران را پس از گذشت شش ماه بررسی می‌کند. نویسنده می‌گوید اهداف اولیه واشنگتن از جمله متوقف‌کردن برنامه هسته‌ای ایران، تضعیف توان موشکی، نابودی نیروی دریایی و محدودکردن حمایت تهران از گروه‌های منطقه‌ای، به‌طور کامل محقق نشده‌اند و تمرکز عملیات آمریکا به‌تدریج به بازگشایی تنگه هرمز تغییر کرده است. گزارش برآورد می‌کند که جریان نفت عبوری از این گذرگاه از حدود ۲۰ میلیون بشکه در روز پیش از جنگ به میانگین ۴/۹ میلیون بشکه در روز پس از اعمال مجدد محاصره در ژوئیه رسیده است. از دید نویسنده، تداوم اختلال نشان می‌دهد که تضعیف توان دریایی متعارف ایران لزوما مانع استفاده تهران از ابزارهای دیگر برای مختل‌کردن کشتیرانی نشده است.

گزارش پیامدهای بحران را فراتر از بازار نفت می‌داند و به افزایش قیمت سوخت، هزینه حمل‌ونقل، تورم و اختلال در تجارت جهانی کودهای شیمیایی اشاره می‌کند. برآورد مرکز استیمسون حاکی است که هزینه مستقیم و غیرمستقیم جنگ برای آمریکا به حدود ۲۲۰ میلیارد دلار رسیده و افزایش قیمت انرژی فشار قابل‌توجهی بر خانوارها وارد کرده است. نویسنده معتقد است توان اثرگذاری بر تنگه هرمز می‌تواند به اهرمی ژئوپلیتیکی تبدیل شود؛ در عین حال، بحران انگیزه کشورها برای تنوع‌بخشی به مسیرهای انتقال، ذخایر راهبردی و منابع تامین انرژی را افزایش می‌دهد.

اعطای امتیازات زودهنگام به ایران، دست برتر واشنگتن را از بین می‌برد

بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) – 17 ژوئن 2026

این یادداشت سیاستی به بررسی پیامدهای احتمالی امتیازدهی زودهنگام آمریکا به ایران در مذاکرات ژوئن ۲۰۲۶ می‌پردازد. جاناتان سایه، نویسنده گزارش، می‌گوید واشنگتن در آستانه توافق، معافیت‌هایی برای فروش نفت ایران در نظر گرفته و همزمان بحث دسترسی تهران به منابع مالی قابل‌توجهی مطرح شده است. به ادعای نویسنده، صادرات دریابرد نفت ایران از حدود ۲/۱ میلیون بشکه در روز در فوریه به صفر در ماه مه کاهش یافته بود و تورم سالانه نیز در همین دوره افزایش چشمگیری داشت. گزارش این فشارهای اقتصادی را بخشی از اهرم مذاکراتی آمریکا می‌داند و درباره کاهش آن پیش از دستیابی به توافق‌های پایدار هشدار می‌دهد.

نویسنده معتقد است کاهش محدودیت‌های نفتی بدون توافق روشن درباره پرونده هسته‌ای و ترتیبات امنیتی تنگه هرمز می‌تواند توان چانه‌زنی آمریکا را کاهش دهد. گزارش همچنین به نگرانی‌ها درباره سرنوشت ذخایر اورانیوم با غنای بالا، بازسازی توان نظامی ایران و احتمال گسترش تهدیدها به باب‌المندب اشاره می‌کند. در بخش پیشنهادهای سیاستی، FDD خواستار شفافیت در متن توافق، نظارت بین‌المللی بر مین‌روبی تنگه هرمز و محدودماندن دسترسی ایران به درآمدهای حاصل از فروش نفت است. این دیدگاه نشان

می‌دهد که صادرات نفت ایران تنها مسئله‌ای تجاری نیست بلکه به تحریم‌ها، امنیت مسیرهای دریایی و مذاکرات هسته‌ای گره خورده است؛ عواملی که می‌توانند بر عرضه نفت و محاسبات واردکنندگان اثر بگذارند.

تنگه هرمز

سازمان بین‌المللی انرژی – فوریه 2026

این گزارهبرگ (فکتشیت) آژانس بین‌المللی انرژی، اهمیت تنگه هرمز را به‌عنوان یکی از گلوگاه‌های اصلی انتقال انرژی جهان تشریح می‌کند. بر اساس داده‌های سال ۲۰۲۵، روزانه به‌طور متوسط نزدیک به ۲۰ میلیون بشکه نفت خام و فرآورده‌های نفتی از این مسیر عبور کرده که حدود یک‌چهارم تجارت دریابرد نفت جهان را تشکیل می‌دهد. حدود ۸۰ درصد نفت عبوری به مقصد بازارهای آسیایی ارسال می‌شود و چین، هند و ژاپن از واردکنندگان مهم آن هستند. ایران، عراق، کویت، قطر و بحرین برای انتقال بخش عمده صادرات نفت خود به این گذرگاه وابسته‌اند؛ بنابراین، هرگونه اختلال در آن می‌تواند هم درآمد صادرکنندگان و هم امنیت عرضه جهانی را تحت تاثیر قرار دهد.

گزارش علاوهبر نفت، به اهمیت تنگه هرمز در تجارت گاز طبیعی مایع می‌پردازد. در سال ۲۰۲۵، حدود ۹۳ درصد صادرات گاز مایع قطر و ۹۶ درصد صادرات این محصول از امارات از تنگه عبور کرده و مجموعا نزدیک به ۱۹ درصد تجارت جهانی گاز مایع را تشکیل داده‌اند. این آژانس بر محدودیت ظرفیت مسیرهای جایگزین تاکید می‌کند: خطوط لوله عربستانسعودی و امارات در مجموع امکان انتقال حدود ۳٫۵ تا ۵٫۵ میلیون بشکه نفت در روز را خارج از تنگه فراهم می‌کنند اما این ظرفیت برای جایگزینی کامل جریان نفت کافی نیست. درباره ایران نیز، پایانه جاسک و خط لوله گوره–جاسک احتمالا می‌توانند گزینه‌ای برای صادرات خارج از تنگه باشند، ولی آژانس این مسیر را در وضعیت کنونی گزینه‌ای عملیاتی و قابل اتکا نمی‌داند.

تنگه هرمز؛ به‌سوی راه‌حلی پایدار و بلندمدت

موسسه ایفو – 18 آوریل 2026

این مقاله با بررسی اختلال در کشتیرانی تنگه هرمز، این گذرگاه را یکی از نقاط آسیب‌پذیر ساختاری نظام انرژی جهان معرفی می‌کند؛ مسیری که حدود یک‌پنجم تجارت دریابرد نفت جهان، معادل تقریبا ۲۰ میلیون بشکه در روز، از آن عبور می‌کند. نویسندگان استدلال می‌کنند که بازگرداندن جریان کشتیرانی، به‌تنهایی برای تضمین امنیت بلندمدت انرژی کافی نیست و باید ترتیبات امنیتی پایدار ایجاد شود. آنها هزینه‌های اقتصادی و نظامی تامین امنیت مسیر به رهبری آمریکا را قابل‌توجه می‌دانند و معتقدند اتکای صرف به قدرت نظامی برای تضمین عبور مستمر کشتی‌ها، با هزینه‌ها و محدودیت‌های جدی روبه‌رو است.

پیشنهاد محوری نویسندگان، ایجاد نظام امنیت دریایی منطقه‌ای با مشارکت ایران، عراق و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، همراه با هماهنگی دریایی، گشت‌های مشترک و تبادل اطلاعات است. آنها همچنین طرح دریافت هزینه در برابر خدمات مشخصی مانند ایمنی و پشتیبانی کشتیرانی را با الگوبرداری از ترتیبات تنگه‌های ترکیه مطرح می‌کنند؛ اجرای چنین طرحی، از دید آنان، مستلزم توافق چندجانبه و سازوکار حقوقی جدید است. مقاله برآورد می‌کند که هزینه خدماتی مشابه الگوی ترکیه برای عبور نفت از هرمز می‌تواند سالانه حدود ۴٫۳ میلیارد دلار درآمد ایجاد کند. نویسندگان این پیشنهاد را راهی بالقوه برای تقسیم هزینه‌های امنیتی، کاهش وابستگی به قدرت‌های خارجی و تقویت مشارکت اقتصادی ایران می‌دانند؛ هرچند بی‌اعتمادی سیاسی و دشواری اجرا را از موانع آن برمی‌شمارند.

فراتر از تنگه هرمز: اروپا چگونه می‌تواند از آینده انرژی خود محافظت کند؟

شورای روابط خارجی اروپا – 9 آوریل 2026

این مقاله اختلال در تنگه هرمز را عاملی موثر بر آسیب‌پذیری امنیت انرژی اروپا و بازار جهانی معرفی می‌کند. نویسندگان با اشاره به توقف یا محدودشدن انتقال روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت و اختلال در نزدیک به یک‌پنجم تجارت جهانی گاز طبیعی مایع در جریان بحران، توضیح می‌دهند که پیامدهای این وضعیت فراتر از افزایش قیمت سوخت است و می‌تواند صنایع پتروشیمی، تولید کودهای شیمیایی، هزینه مواد غذایی و زنجیره تامین فنآوری را نیز متاثر سازد. از نگاه آنان، تجربه وابستگی اروپا به گاز روسیه نشان می‌دهد که تمرکز بر تعداد محدودی از عرضه‌کنندگان و مسیرهای انتقال، مخاطرات اقتصادی و راهبردی بلندمدتی ایجاد می‌کند.

نویسندگان پیشنهاد می‌کنند اروپا برای کاهش آسیب‌پذیری خود، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، افزایش تنوع واردات گاز طبیعی مایع، گسترش ظرفیت ذخیره‌سازی، همکاری در توسعه انرژی هسته‌ای و کاهش وابستگی حمل‌ونقل به نفت را دنبال کند. در این چارچوب، اهمیت ایران عمدتا از موقعیت جغرافیایی آن در مجاورت تنگه هرمز و تاثیر تحولات مرتبط با این کشور بر جریان انرژی منطقه ناشی می‌شود؛ مقاله ایران را یکی از عوامل مهم در محاسبات امنیت انرژی اروپا می‌داند.

ط

مسیرهای جدید انرژی و تجارت می‌توانند هرمز را دور بزنند و خاورمیانه را تغییر دهند؛ اما چالش‌های مهمی باقی است.

چتم‌هاوس – 25 سپتامبر 2026

این مقاله توضیح می‌دهد که اختلال در تنگه هرمز، آسیب‌پذیری مسیرهای انتقال انرژی و تجارت خاورمیانه را آشکار کرده و عراق، سوریه و لبنان را به بررسی مسیرهای جایگزین برای اتصال خلیج فارس به مدیترانه و بازارهای اروپا سوق داده است. عراق در پی افزایش صادرات از طریق بندر جیهان ترکیه و احیای طرح خط لوله به بندر عقبه اردن است؛ همچنین، طرح انتقال نفت عراق از مسیر سوریه به بندر بانیاس با ظرفیت اولیه پیشنهادی حدود دو میلیون بشکه در روز مطرح شده است. هزینه این پروژه حدود ۱۵ میلیارد دلار برآورد شده و اجرای آن احتمالا چهار سال زمان می‌برد.

همچنین، نویسنده معتقد است توسعه مسیرهای جایگزین می‌تواند وابستگی کشورهای منطقه به تنگه هرمز را کاهش دهد و بخشی از اهرم ژئوپلیتیکی ایران را محدود کند؛ بااین‌حال، این مسیرها جایگزین کامل هرمز نخواهند شد زیرا بخش بزرگی از نفت عراق راهی بازارهای آسیایی به‌ویژه چین و هند می‌شود. مقاله همچنین بر موانعی همچون ناامنی، حملات به زیرساخت‌های انرژی، فساد و ضعف نهادهای حکمرانی در کشورهای مسیر تاکید دارد. بنابراین، تغییر جغرافیای انتقال انرژی تنها به احداث خطوط لوله وابسته نیست؛ ثبات سیاسی، امنیت زیرساخت‌ها و توانایی دولت‌ها برای تامین مالی و مدیریت پروژه‌ها نیز در تحقق آن نقش تعیین‌کننده دارند.

حتی بازگشایی تنگه هرمز نیز آسیب‌پذیری اصلی انرژی اروپا را برطرف نخواهد کرد

چتم‌هاوس – 18 ژوئن 2026

این مقاله استدلال می‌کند که بازگشایی تنگه هرمز، حتی در صورت دستیابی به توافقی پایدار میان ایران و آمریکا، به‌تنهایی امنیت انرژی اروپا را تضمین نمی‌کند. نویسندگان توضیح می‌دهند که بازگشت جریان عادی کشتیرانی به زمان نیاز دارد و نگرانی شرکت‌های بیمه و حمل‌ونقل درباره امنیت بلندمدت مسیر ممکن است همچنان پابرجا بماند. از سوی دیگر، جنگ به بازار جهانی گاز طبیعی مایع آسیب زده است؛ حملات به زیرساخت‌های قطر حدود یک‌ششم ظرفیت صادراتی این کشور را از مدار خارج کرده و احتمالا بازسازی آن چند سال طول خواهد کشید. در نتیجه، اروپا با تداوم فشارهای قیمتی و محدودیت تنوع عرضه روبه‌رو خواهد بود.

از دید نویسندگان، بحران هرمز می‌تواند وابستگی اروپا به گاز طبیعی مایع آمریکا را افزایش دهد؛ وابستگی که در کنار کاهش واردات گاز روسیه، قدرت چانه‌زنی واشنگتن را در روابط انرژی با اروپا تقویت می‌کند. آنها تاکید می‌کنند که افزایش عرضه از منابع جایگزین، به‌تنهایی برای کاهش آسیب‌پذیری کافی نیست و اروپا باید تقاضای گاز را نیز از طریق توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، ذخیره‌سازی برق، بهینه‌سازی ساختمان‌ها، نصب پمپ‌های حرارتی و برقی‌سازی کاهش دهد. در ارتباط با ایران، مقاله نشان می‌دهد که اختلال در تنگه هرمز می‌تواند بازارهای انرژی و محاسبات راهبردی اروپا را حتی پس از پایان بحران تحت تاثیر قرار دهد؛ هرچند تمرکز اصلی آن بر آسیب‌پذیری ساختاری اروپا و سیاست کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی است.

ساعت‌شنی بازار انرژی: چرا فشار اقتصادی ممکن است دقیقا از سوی کشورهای خلیج فارس وارد شود؟

موسسه مطالعات امنیت ملی (INSS) – 11 مارس 2026

این یادداشت پیامدهای اقتصادی جنگ ایران و آمریکا و اسرائیل را از منظر بازار جهانی انرژی بررسی می‌کند. نویسندگان معتقدند با وجود افزایش سریع قیمت نفتوگاز پس از اختلال در تنگه هرمز، اقتصاد جهانی و کشورهای واردکننده انرژی ممکن است در کوتاه‌مدت توان جذب بخشی از این شوک را داشته باشند؛ زیرا ذخایر راهبردی، امکان تغییر مسیر محموله‌ها و منابع جایگزین عرضه، شدت کمبود را تعدیل می‌کنند. در مقابل، تداوم اختلال صادراتی می‌تواند کشورهای تولیدکننده خلیج فارس را با محدودیت ظرفیت ذخیره‌سازی و کاهش درآمد روبه‌رو سازد. از دید نویسندگان، این وضعیت ممکن است فشار اقتصادی برای پایان جنگ را از سوی صادرکنندگان منطقه افزایش دهد.

در ارزیابی نویسندگان، موقعیت جغرافیایی ایران در تنگه هرمز و تهدید جریان نفتکش‌ها و محموله‌های گاز طبیعی مایع، ظرفیت اثرگذاری بر بازار انرژی را برای تهران فراهم می‌کند؛ بااین‌حال، این اهرم با محدودیت‌هایی مواجه است و لزوما به ایجاد بحران پایدار جهانی منجر نمی‌شود. مقاله به خطوط لوله عربستانسعودی و امارات اشاره می‌کند که امکان انتقال بخشی از نفت را بدون عبور از تنگه فراهم می‌کنند، درحالیکه صادرات گاز قطر گزینه‌های جایگزین محدودتری دارد. نویسندگان هشدار می‌دهند که توقف طولانی‌مدت تولید و صادرات می‌تواند به زیرساخت‌های انرژی منطقه آسیب بزند و آثار آن حتی پس از پایان جنگ نیز بر عرضه جهانی باقی بماند.

داشبورد تحریم‌های انرژی: بررسی جریان نفت خام تحریمی و پیامدهای جنگ ایران بر بازار جهانی

شورای آتلانتیک – 21 مه 2026

داشبورد تحریم‌های انرژی شورای آتلانتیک، آثار محدودیت‌های آمریکا و متحدانش بر صادرات نفت خام ایران، روسیه و ونزوئلا و پیامدهای ناخواسته این سیاست‌ها را بررسی می‌کند. بر اساس داده‌های ارائه‌شده، این سه کشور در سال ۲۰۲۵ مجموعا نزدیک

به ۱۴ درصد جریان حمل‌ونقل دریابرد نفت خام جهان را تشکیل می‌دادند؛ سهم ایران حدود ۳/۹ درصد برآورد شده است. گزارش توضیح می‌دهد که ناوگان سایه، انتقال محموله از کشتی به کشتی و صادرات از طریق کشورهای ثالث، امکان تداوم بخشی از تجارت نفت تحریمی را فراهم کرده‌اند. همچنین، رقابت صادرکنندگان تحریمی برای جذب خریداران، به‌ویژه در چین، در سال ۲۰۲۵ موجب ارائه تخفیف‌های قابل‌توجه شد.

بخش به‌روزشده داشبورد، اختلال در تنگه هرمز و کاهش عرضه نفت خلیج فارس را عاملی برای تغییر مسیر تجارت جهانی انرژی معرفی می‌کند. طبق داده‌های منتشرشده، معافیت‌های موقت آمریکا از برخی تحریم‌های نفتی روسیه به افزایش عرضه این کشور کمک کرد و هند و شماری از کشورهای جنوب شرق آسیا را به خریداران مهم‌تری تبدیل ساخت؛ درحالیکه مخاطرات مالی، حقوقی و آمادی همچنان خرید نفت ایران را محدود می‌کردند. گزارش، همچنین، نشان می‌دهد که اختلال عرضه می‌تواند وزن اقتصادی صادرکنندگان تحریمی را افزایش دهد اما این فرصت با تشدید فشارهای تحریمی، محدودیت دسترسی به خریداران و رقابت با روسیه همراه است. شورای آتلانتیک بر تقویت اجرای تحریم‌ها و مقابله با شبکه‌های دورزدن محدودیت‌ها تاکید دارد.

از گلوگاه راهبردی تا بحران: تنگه هرمز و بازارهای جهانی نفت

موسسه بروکینگز – 8 ژوئن 2026

این یادداشت پیامدهای اختلال در تنگه هرمز را برای عرضه نفت، قیمت‌های جهانی و امنیت انرژی بررسی می‌کند. نویسندگان می‌گویند پیش از جنگ، روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت خام و فرآورده‌های نفتی، معادل تقریبا یک‌پنجم عرضه جهانی نفت، از این مسیر عبور می‌کرد. تهدید کشتی‌ها، افزایش هزینه یا عدم دسترسی به بیمه و توقف بخش بزرگی از تردد نفتکش‌ها، جریان عرضه را به‌شدت مختل کرده است. با وجود استفاده عربستانسعودی و امارات از خطوط لوله جایگزین، ظرفیت این مسیرها برای جبران کامل اختلال کافی نیست. مقاله این وضعیت را بزرگ‌ترین اختلال عرضه در تاریخ بازار جهانی نفت توصیف می‌کند.

از دید نویسندگان، ایران با تهدید عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز نشان داده است که موقعیت جغرافیایی این گذرگاه می‌تواند بر بازار انرژی و محاسبات راهبردی قدرت‌های بزرگ اثر بگذارد. بااین‌حال، اختلال طولانی‌مدت همزمان به تولیدکنندگان منطقه، مصرف‌کنندگان و اقتصاد ایران آسیب می‌زند و حتی پس از بازگشایی تنگه، بازگشت بازار به وضعیت عادی ممکن است چند ماه زمان ببرد. مقاله همچنین احتمال کاهش نقش اوپک در مدیریت بازار نفت را در پی نااطمینانی امنیتی و تغییرات میان اعضای آن مطرح می‌کند. نویسندگان برای کاهش آسیب‌پذیری آینده، بر برقی‌سازی حمل‌ونقل، بهبود بهره‌وری سوخت و تقویت آمادگی در برابر شوک‌های عرضه تاکید دارند.

چگونه می‌توان تنگه هرمز را در بلندمدت باز نگه داشت؟

چتم‌هاوس – 10 آوریل 2026

این نوشتار به بررسی راهکارهای حفظ تردد پایدار کشتی‌ها از تنگه هرمز و کاهش احتمال تکرار بحران‌های دریایی می‌پردازد. نویسنده معتقد است موقعیت جغرافیایی ایران در این گذرگاه، برای تهران اهرمی نامتقارن در برابر فشارهای آمریکا و اسرائیل ایجاد کرده است و کنارگذاشتن آن برای ایران آسان نخواهد بود. بااین‌حال، اختلال طولانی‌مدت در تردد دریایی به اقتصاد ایران نیز لطمه می‌زند؛ زیرا کشور به صادرات نفت وابسته است و بخشی از واردات کالاهای صنعتی و مواد غذایی آن از مسیر تنگه انجام می‌شود. از دید گزارش، توافقی پایدار باید انگیزه‌های اقتصادی و امنیتی ایران را نیز در نظر بگیرد.

نویسنده پیشنهاد می‌کند ایران در هر توافقی درباره آینده تنگه هرمز مشارکت داشته باشد و گزینه‌هایی مانند رفع مرحله‌ای تحریم‌ها، مدیریت مشترک گذرگاه، سازوکارهای چندجانبه راستی‌آزمایی عبور کشتی‌ها و هماهنگی امنیتی کشورهای ساحلی بررسی شود. همچنین، الگوی گشت‌های مشترک تنگه مالاکا، تبادل اطلاعات دریایی و سامانه‌های مدیریت ترافیک کشتی‌ها به‌عنوان نمونه‌هایی قابل بررسی مطرح شده‌اند. این رویکرد بر این نکته تاکید دارد که امنیت عرضه جهانی صرفا با ایجاد مسیرهای جایگزین یا حضور نظامی تامین نمی‌شود؛ بلکه به توافق‌های منطقه‌ای، کاهش انگیزه‌های تقابل و تضمین استمرار تجارت از جمله صادرات انرژی ایران، نیز وابسته است.

درگیری با ایران و تنگه هرمز: پیامدها برای نفت، گاز و سایر کالاها

مرکز پژوهش‌های کنگره – 11 مارس 2026

این گزارش اهمیت تنگه هرمز را در انتقال نفت، گاز طبیعی مایع و کالاهای صنعتی به بازارهای جهانی بررسی می‌کند. بر اساس آمار سال ۲۰۲۴، روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت خام و فرآورده‌های نفتی از این گذرگاه عبور کرده که معادل ۲۷ درصد تجارت دریابرد نفت جهان و نزدیک به یک‌پنجم مصرف جهانی مایعات نفتی بوده است. همچنین، حدود یک‌پنجم تجارت جهانی گاز طبیعی مایع به این مسیر وابسته است. گزارش توضیح می‌دهد که اختلال طولانی‌مدت در تردد کشتی‌ها می‌تواند قیمت انرژی، تورم و شرایط اقتصادی کشورهای واردکننده را تحت تاثیر قرار دهد؛ درحالیکه خطوط لوله جایگزین و ذخایر راهبردی، توان جبران کامل کمبود را ندارند.

گزارش، موقعیت ساحلی ایران و توانایی‌های نظامی آن را از عوامل موثر بر امنیت تجارت انرژی خلیج فارس می‌داند و تاکید می‌کند که تهدید یا اختلال در عبور نفتکش‌ها می‌تواند حتی بدون توقف کامل صادرات، هزینه بیمه و حمل‌ونقل را افزایش دهد. از دید این مرکز پژوهشی، این ظرفیت برای ایران هم پیامدهای راهبردی و هم مخاطراتی دارد؛ زیرا تشدید اختلال ممکن است به اقدام نظامی آمریکا، افزایش فشارهای اقتصادی و آسیب به تجارت منطقه‌ای منجر شود. گزارش همچنین به تحریم‌های نفتی ایران، صادرات این کشور به چین و گزینه‌های سیاستی واشنگتن می‌پردازد. در مجموع، تنگه هرمز در این ارزیابی هم گلوگاهی حیاتی برای بازار جهانی انرژی است و هم یکی از محورهای اصلی تعامل امنیتی و اقتصادی ایران با قدرت‌های خارجی.

ایران و تنگه هرمز: خطرات پیش‌روی قیمت‌های جهانی انرژی

آکسفورد اکونومیکس – 27 فوریه 2026

این گزارش تنگه هرمز را یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجارت انرژی جهان معرفی می‌کند و هشدار می‌دهد که تشدید تنش‌های مرتبط با ایران می‌تواند امنیت عرضه و قیمت‌های جهانی نفت و گاز طبیعی مایع را تحت تاثیر قرار دهد. برآورد گزارش نشان می‌دهد روزانه حدود یک‌پنجم تجارت جهانی نفت و گاز مایع از این گذرگاه عبور می‌کند و ارزش این جریان، با احتساب صادرات ایران، از ۱٫۳ میلیارد دلار فراتر می‌رود. سناریوی پایه موسسه در زمان انتشار، بازماندن تنگه و نبود اختلال معنادار در جریان انرژی بود؛ بااین‌حال، کاهش تردد نفتکش‌ها و افزایش هزینه حمل‌ونقل به‌عنوان مخاطرات مهم افزایش قیمت‌ها بررسی شده‌اند.

آکسفورد اکونومیکس سه سناریوی اصلی را ارزیابی می‌کند: تداوم وضعیت پایه، اختلال محدود در کشتیرانی و اختلال شدید و کوتاه‌مدت. در سناریوی اختلال محدود، کاهش ۵۰ درصدی تردد کشتی‌ها به‌مدت دو ماه می‌تواند عرضه نفت را روزانه چهار میلیون بشکه کاهش دهد. در سناریوی شدیدتر که گزارش احتمال آن را پنج درصد برآورد کرده، توقف عبور برای حداکثر یک هفته می‌تواند قیمت نفت را به ۱۴۰ دلار در هر بشکه و قیمت گاز را به بیش از ۴۰ دلار به‌ازای هر میلیون واحد حرارتی بریتانیا برساند. در مقابل، کاهش تنش‌ها می‌تواند صرف ریسک ژئوپلیتیکی قیمت نفت را که حدود ۹ دلار در هر بشکه برآورد شده بود، سریعا کاهش دهد. این سناریوها نشان می‌دهند موقعیت ایران در تنگه هرمز می‌تواند بر قیمت جهانی انرژی اثر بگذارد اما شدت و دوام این اثر به میزان اختلال و واکنش بازار بستگی دارد.

ایران و توازن جدید در خلیج فارس

چتم‌هاوس – 15 ژوئن 2026

این یادداشت تحلیلی نوشته توماس جونو، پژوهشگر وابسته به برنامه خاورمیانه و شمالآفریقا این اندیشکده بریتانیایی استدلال می‌کند که جنگ سال ۲۰۲۶، معادلات امنیتی خلیج فارس را تغییر داده و بازگشت به وضعیت پیش از ۲۸ فوریه را بعید ساخته است. از نگاه او، شبکه گروه‌های مسلح متحد ایران نتوانست حملات آمریکا و اسرائیل را بازدارد؛ در نتیجه، تهران ممکن است بیش از گذشته بر موقعیت جغرافیایی خود و امکان تهدید تنگه هرمز برای بازسازی بازدارندگی تکیه کند.

نویسنده معتقد است حتی اگر تنگه هرمز دوباره باز شود، ایران احتمالا گزینه مختلسازی آن را در محاسبات امنیتی آینده حفظ خواهد کرد؛ زیرا جنگ نشان داده است که این گذرگاه می‌تواند بر تجارت دریایی و اقتصاد جهانی اثر بگذارد. مقاله همچنین احتمال همزمانی اختلال در هرمز با تهدید تنگه باب‌المندب از سوی حوثی‌های یمن را مطرح می‌کند؛ وضعیتی که پیامدهای اقتصادی گسترده‌تری خواهد داشت. این ارزیابی بر اهمیت تنوع‌بخشی زنجیره‌های تامین، توسعه خطوط لوله جایگزین و حفاظت از زیرساخت‌های خلیج فارس تاکید دارد. این برداشت، تحلیل نویسنده از رفتار احتمالی ایران است، نه اعلام رسمی سیاست تهران.

مرور تحولات انرژی خاورمیانه در سه‌ماهه دوم ۲۰۲۶: خاورمیانه در عصر تنگه هرمز

موسسه خاورمیانه – 5 اوت 2026

این گزارش تحولات انرژی خاورمیانه در فاصله آوریل تا ژوئن ۲۰۲۶ را با تمرکز بر پیامدهای جنگ و اختلال در تنگه هرمز بررسی می‌کند. نویسنده توضیح می‌دهد که وابستگی کشورهای منطقه به این گذرگاه، ضرورت بازنگری در راهبردهای صادرات انرژی را افزایش داده است. عربستانسعودی و امارات به‌دلیل برخورداری از خطوط لوله و پایانه‌های صادراتی جایگزین، امکان بیشتری برای انتقال نفت خارج از هرمز دارند؛ بااین‌حال، حملات به خط لوله شرق-غرب عربستان و پایانه‌های ساحل شرقی امارات نشان داده‌اند که مسیرهای جایگزین نیز در برابر حملات آسیب‌پذیرند. در نتیجه، تاب‌آوری انرژی صرفا به ایجاد خطوط لوله جدید محدود نمی‌شود و به حفاظت از زیرساخت‌ها، ذخیره‌سازی و تنوع‌بخشی مسیرهای صادراتی نیز وابسته است.

گزارش، بازگشت نفت ایران به بازارهای رسمی را به سه عامل مرتبط می‌داند: سیاست تحریم‌های آمریکا، دسترسی به کانال‌های صادراتی و اطمینان خریداران از پایداری رفع محدودیت‌ها. بر اساس اعتقاد نویسنده، سال‌ها تحریم، تجارت نفت ایران را به شبکه‌هایی موسوم به «بازار نفت پنهان» و خریداران مستقل چینی وابسته کرده و بازگشت به بازار رسمی را دشوار ساخته است. حتی در صورت توافق سیاسی، شرکت‌ها و خریداران آسیایی به تضمین‌هایی درباره دوام معافیت‌ها نیاز خواهند داشت. در سطح منطقه‌ای نیز اختلال هرمز بر آینده اوپک‌پلاس، سرمایه‌گذاری تولیدکنندگان و نقش ذخایر راهبردی کشورهای مصرف‌کننده اثر

می‌گذارد. از این منظر، جایگاه آینده ایران در بازار انرژی به تحولات امنیتی، سرنوشت تحریم‌ها و توانایی بازسازی روابط تجاری رسمی وابسته خواهد بود.

معمای انرژی ایران: محدودیت‌ها، پیامدها و گزینه‌های سیاستی

موسسه صلح بین‌الملل کارنگی – 26 ژوئن 2026

این مقاله به تناقض میان برخورداری ایران از ذخایر بزرگ نفتوگاز و تداوم کمبود انرژی در داخل کشور می‌پردازد. نویسنده، تحریم‌های بین‌المللی، فرسودگی زیرساخت‌ها، ضعف مدیریت، یارانه‌های گسترده و مصرف ناکارآمد را از عوامل اصلی این وضعیت می‌داند. به‌گفته او، کمبود گاز و برق، خاموشی‌ها و محدودیت سوخت، فعالیت صنایع انرژی‌بر را مختل کرده و ظرفیت صادراتی کشور را نیز تحت تاثیر قرار داده است. مقاله همچنین قاچاق سوخت، اتلاف انرژی در شبکه‌های انتقال و دشواری دسترسی به سرمایه و فنآوری خارجی را از موانعی می‌شمارد که مانع تبدیل منابع طبیعی ایران به مزیت اقتصادی پایدار شده‌اند.

نویسنده معتقد است آینده جایگاه ایران در بازار انرژی منطقه‌ای و جهانی به اصلاح ساختاری بخش انرژی، بهبود بهره‌وری و کاهش محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها وابسته است. او نوسازی پالایشگاه‌ها و شبکه‌های برقوگاز، اصلاح تدریجی یارانه‌ها، کنترل قاچاق، مدیریت هوشمند تقاضا و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را از گزینه‌های سیاستی مطرح می‌کند. مقاله ظرفیت خورشیدی ایران را قابل‌توجه می‌داند اما تاکید می‌کند که کمبود سرمایه‌گذاری و مشکلات نهادی مانع بهره‌برداری کامل از آن شده‌اند. پیام اصلی آن است که ذخایر نفتوگاز به‌تنهایی جایگاه پایدار ایجاد نمی‌کنند؛ توان تامین تقاضای داخلی، حفظ ظرفیت صادراتی و جذب سرمایه و فنآوری نیز تعیین‌کننده‌اند.

آتش‌بس شکننده آمریکا و ایران چه معنایی برای انرژی و فراتر از آن دارد؟

مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل (CSIS) – 1 جولای 2026

این مجموعه دیدگاه‌ها پیامدهای آتش‌بس آمریکا و ایران را برای بازارهای جهانی انرژی و امنیت منطقه‌ای بررسی می‌کند. نویسندگان توضیح می‌دهند که توافق آتش‌بس امکان ازسرگیری عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز را فراهم کرده اما اختلاف بر سر شرایط عبور، کُندی مذاکرات و تداوم حملات پراکنده مانع بازگشت بازارها به وضعیت عادی شده است. از دید آنان، بازگشایی تنگه بهمعنای رفع ریسک ژئوپلیتیکی نیست؛ زیرا هرگونه اقدام نظامی تازه یا شکست مذاکرات می‌تواند جریان نفتوگاز را دوباره مختل کند. در نتیجه، هزینه بیمه و حمل‌ونقل و صرف ریسک قیمت انرژی احتمالا در سطحی بالاتر از پیش از جنگ باقی می‌ماند.

نویسندگان، همچنین، به نقش موقعیت جغرافیایی کشور در تنگه هرمز و تاثیر آن بر صادرات خلیج فارس توجه دارند. یکی از دیدگاه‌های مقاله استدلال می‌کند که رفع محدودیت‌های صادرات نفت ایران می‌تواند تولید و صادرات این کشور را افزایش دهد؛ در مقابل، دیدگاهی دیگر درباره تلاش تهران برای تثبیت کنترل بر تردد دریایی، دریافت هزینه عبور و ایجاد سازوکار مدیریتی ویژه هشدار می‌دهد. مقاله همچنین تاکید می‌کند که آثار جنگ به نفتوگاز محدود نمانده و اختلال در صادرات کود شیمیایی و مواد اولیه آن، امنیت غذایی جهان را نیز تحت تاثیر قرار داده است. بنابراین، آینده انرژی منطقه به توافق‌های سیاسی، شرایط عبور دریایی و بازسازی زیرساخت‌ها وابسته خواهد بود.

اگر ترامپ به ایران حمله کند: ترسیم سناریوهای اختلال در عرضه نفت

مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل (CSIS) – 18 فوریه 2026

این تحلیل چهار سناریوی اصلی اختلال در عرضه نفت را در صورت ازسرگیری درگیری نظامی آمریکا یا اسرائیل با ایران بررسی می‌کند. سناریوها شامل متوقف‌شدن صادرات نفت ایران بر اثر محاصره یا حمله به پایانه خارک، اختلال ایران در عبور نفتکش‌های کشورهای عربی از تنگه هرمز، حمله مستقیم به زیرساخت‌های نفتی ایران و حمله ایران به تاسیسات انرژی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس است. برآورد نویسنده نشان می‌دهد توقف صادرات روزانه حدود ۱/۶ میلیون بشکه نفت ایران می‌تواند قیمت جهانی را دست‌کم ۱۰ تا ۱۲ دلار در هر بشکه افزایش دهد. در صورت اختلال گسترده‌تر در صادرات کشورهای منطقه، قیمت نفت ممکن است از ۹۰ یا ۱۰۰ دلار فراتر رود و در سناریوی حمله به زیرساخت‌های کشورهای عربی، جهش شدیدتری را تجربه کند.

نویسنده تاکید می‌کند که ظرفیت مسیرهای جایگزین برای دورزدن تنگه هرمز محدود است. خط لوله شرق-غرب عربستانسعودی، با وجود ظرفیت اسمی حدود پنج میلیون بشکه در روز، پس از تامین نیازهای موجود تنها امکان انتقال بخشی از صادرات خلیج فارس را فراهم می‌کند. امارات نیز می‌تواند بخشی از صادرات خود را از مسیر فجیره منتقل کند، اما عراق، کویت، بحرین و قطر گزینه‌های جایگزین محدودی دارند؛ صادرات گاز مایع قطر نیز به عبور از هرمز وابسته است. تحلیل نویسنده نشان می‌دهد موقعیت جغرافیایی کشور می‌تواند بر قیمت‌ها و تصمیم‌های نظامی قدرت‌های خارجی اثر بگذارد؛ بااین‌حال، گسترش بحران ممکن است به زیرساخت‌های ایران و کشورهای همسایه آسیب بزند و هزینه‌های اقتصادی گسترده‌ای ایجاد کند.

جنگ تجاری، اهرم فشار واشنگتن بر صادرات نفت ایران را تضعیف می‌کند

مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل (CSIS) – 2 مه 2026

این تحلیل، اعلام دونالد ترامپ در اول مه ۲۰۲۵ مبنیبر اعمال تحریم‌های ثانویه علیه هر کشور یا فرد خریدار نفت و محصولات پتروشیمی ایران را بررسی می‌کند. نویسنده معتقد است تهدید واشنگتن برای قطع کامل روابط تجاری با خریداران نفت ایران، فراتر از الگوی متعارف تحریم‌های ثانویه است و در صورت اجرای لفظی می‌تواند تجارت جهانی را به‌شدت مختل کند. بر اساس داده‌های شرکت ورتکسا که در مقاله نقل شده است، حدود ۸۰ درصد صادرات نفت ایران در ماه‌های نخست سال ۲۰۲۵ به چین می‌رفت و میانگین صادرات نزدیک به ۱/۵ میلیون بشکه در روز بود. بنابراین، کاهش صادرات ایران تا حد زیادی به تغییر رفتار خریداران چینی وابسته است.

نویسنده در بخش دیگری از گزارش خود استدلال می‌کند که جنگ تجاری آمریکا و چین ممکن است برخلاف هدف واشنگتن، توان آن برای وادارکردن پکن به کاهش خرید نفت ایران را محدود کند. از دید نویسنده، تعرفه‌های سنگین آمریکا بر کالاهای چینی فشار اقتصادی بزرگی بر پکن وارد کرده‌اند اما همزمان انگیزه چین برای کنارگذاشتن نفت ارزان ایران را کاهش می‌دهند؛ به‌ویژه آنکه چین نسبت به برخی کشورها آسیب‌پذیری کمتری در برابر محدودیت دسترسی به نظام مالی دلاری دارد. مقاله همچنین توضیح می‌دهد که تحریم تعداد محدودی از پالایشگاه‌های مستقل چین برای متوقف‌کردن جریان نفت ایران کافی نبوده است. در نتیجه، آینده صادرات نفت ایران بهشدت اجرای تحریم‌ها، تصمیم‌های چین، وضعیت تقاضای جهانی و انتخاب میان تشدید فشار یا دیپلماسی وابسته می‌ماند.

چگونه جنگ با ایران می‌تواند صادرات انرژی از تنگه هرمز را مختل کند؟

مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل (CSIS) – 23 ژوئن 2026

این تحلیل چهارچوبی برای بررسی خطرهای ناشی از تشدید درگیری نظامی با ایران و تاثیر آن بر صادرات نفت و گاز از خلیج فارس ارائه می‌کند. نویسنده توضیح می‌دهد که در شرایط عادی، روزانه نزدیک به ۱۵ میلیون بشکه نفت خام، بیش از چهار میلیون بشکه فرآورده‌های نفتی و حدود ۱۱ میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی مایع از تنگه هرمز عبور می‌کنند. ظرفیت مازاد تولید نفت عربستانسعودی و امارات، حتی اگر به حدود چهار تا پنج میلیون بشکه در روز برسد، نمی‌تواند به‌تنهایی جایگزین این حجم شود؛ ضمن آنکه بخش عمده صادرات این دو کشور نیز به پایانه‌های داخل خلیج فارس وابسته است.

نویسنده احتمال بسته‌شدن کامل تنگه هرمز را در شرایطی بررسی می‌کند که صادرات نفت ایران نیز متوقف شود؛ زیرا چنین اقدامی به درآمدهای نفتی خود ایران آسیب می‌زند. از دید وی، حمله به پایانه صادراتی خارک یا محاصره دریایی ایران می‌تواند انگیزه تهران برای ایجاد اختلال در عبور کشتی‌ها را افزایش دهد. بااین‌حال، اختلال لزوما به بسته‌شدن کامل گذرگاه محدود نیست و حملات پنهانی به نفتکش‌ها، مین‌های دریایی، قایق‌های تندرو و موشک‌های ضدکشتی نیز می‌توانند شرکت‌های کشتیرانی را به اجتناب از منطقه وادار کنند. مقاله نتیجه می‌گیرد که حتی اختلال محدود در تردد دریایی می‌تواند از طریق افزایش هزینه بیمه و حمل‌ونقل، عرضه جهانی انرژی و قیمت‌ها را تحت فشار قرار دهد.

تحلیل محتوا و مضامین محتوا

بر اساس گزارش‌ها و یادداشت‌های مورد بررسی نویسندگان و کارشناسان آمریکایی-صهیونیستی در اندیشکده‌ها با تمرکز بر جایگاه ایران در سیاست انرژی آینده جهان، تحلیل محتوای این گزارشها عبارتند از:

اهمیت تنگه هرمز از تمرکز حجم بالایی از انتقال انرژی در یک گذرگاه محدود ناشی می‌شود. مطابق داده‌های آژانس بین‌المللی انرژی، حدود ۸۰ درصد نفت عبوری از این آبراه در سال ۲۰۲۵ مقصد آسیایی داشته است؛ بنابراین، پیامدهای اختلال در آن به روابط ایران و کشورهای غربی محدود نمی‌ماند و اقتصادهای بزرگ آسیایی را نیز درگیر می‌کند. از منظر جمهوری اسلامی ایران، این واقعیت ضرورت اتخاذ دیپلماسی فعال با مصرف‌کنندگان عمده انرژی را برجسته می‌سازد. جغرافیای راهبردی زمانی به مزیت پایدار تبدیل می‌شود که با روابط اقتصادی و سازوکارهای همکاری همراه باشد.

بررسی منابع نشان می‌دهد که خطوط لوله عربستان و امارات امکان انتقال بخشی از نفت را بدون عبور از تنگه هرمز فراهم می‌کنند؛ بااین‌حال، ظرفیت جایگزین موجود با حجم کل انتقال نفت از این آبراه تناسب ندارد. برآورد آژانس بین‌المللی انرژی، ظرفیت احتمالی مسیرهای جایگزین را حدود ۳/۵ تا ۵/۵ میلیون بشکه در روز ارزیابی می‌کند؛ رقمی که در مقایسه با نزدیک به ۲۰ میلیون بشکه انتقال روزانه نفت و فرآورده‌ها محدود است. برای ایران، این وضعیت از تداوم اهمیت هرمز حکایت دارد؛ اما نباید مانع رصد سرمایه‌گذاری‌های جدید برای کاهش وابستگی منطقه به این گذرگاه شود.

اختلال در عبورومرور هرمز می‌تواند عرضه جهانی نفتوگاز را محدود کند، قیمت‌ها را افزایش دهد و هزینه حمل‌ونقل، بیمه و تولید صنعتی را بالا ببرد. بااین‌حال، تحلیل راهبردی نباید افزایش قیمت را به‌طور خودکار معادل منفعت خالص برای ایران تلقی کند؛ زیرا محدودیت صادرات، افزایش هزینه واردات، فشار بر تولید داخلی و دشواری دسترسی به درآمدهای ارزی نیز ممکن است همزمان تشدید شوند. از منظر منافع ملی، معیار موفقیت باید افزایش درآمد پایدار، امنیت اقتصادی و قدرت چانه‌زنی باشد، نه صرفا ایجاد شوک در بازار جهانی یا تحمیل هزینه به رقبا.

اهمیت هرمز به نفت خام محدود نیست و انتقال فرآورده‌های نفتی، گاز طبیعی مایع و برخی کالاهای صنعتی نیز از این گذرگاه تاثیر می‌پذیرد. وابستگی صادرات گاز مایع قطر و امارات به مسیر دریایی خلیج فارس، آسیب‌پذیری بازار جهانی گاز را در برابر اختلال افزایش می‌دهد. این مسئله می‌تواند رقابت برای محموله‌های جایگزین را تشدید کند و بر قیمت انرژی در آسیا و اروپا اثر بگذارد. برای ایران، تحلیل یکپارچه نفت، گاز، برق، پتروشیمی و حمل‌ونقل ضروری است؛ زیرا سیاست‌گذاری محدود به یک حامل انرژی، تصویر ناقصی از منافع و مخاطرات ملی ارائه می‌دهد.

تحریم‌های نفتی، محدودیت‌های بانکی و دشواری تامین فنآوری، فاصله میان برخورداری ایران از منابع انرژی و توان بهره‌برداری اقتصادی از آنان را افزایش می‌دهند. منابع بررسی‌شده نشان می‌دهند که سیاست تحریم علاوه‌بر کاهش دسترسی به بازارهای رسمی، بر سرمایه‌گذاری، نوسازی زیرساخت و تصمیم خریداران نیز اثر می‌گذارد. در این شرایط، تداوم صادرات از مسیرهای محدود می‌تواند بخشی از ظرفیت موجود را حفظ کند، اما لزوما جایگزین سرمایه‌گذاری بلندمدت و دسترسی گسترده به بازار نیست. راهبرد ایران باید کاهش آسیب‌پذیری ساختاری اقتصاد انرژی را در کنار پیگیری دیپلماسی موثر برای رفع محدودیت‌ها دنبال کند.

ارتباط تجاری ایران با چین در استمرار صادرات نفت اهمیت دارد، اما تمرکز بر شمار محدودی از خریداران می‌تواند قدرت چانه‌زنی فروشنده را کاهش دهد. اگر خریداران از گزینه‌های متعدد برخوردار باشند، محدودیت‌های مالی، تخفیف‌های تجاری و مخاطرات تحریمی ممکن است سهم بیشتری از ارزش صادرات را به هزینه‌های مبادله تبدیل کنند. ازاین‌رو، سیاست انرژی ایران باید ضمن حفظ بازارهای مهم آسیایی، توسعه همکاری با همسایگان و شناسایی فرصت‌های جدید تجاری را نیز دنبال کند. تنوع‌بخشی بهمعنای جایگزینی شتاب‌زده شرکای موجود نیست؛ بلکه هدف آن افزایش انعطاف‌پذیری و کاهش وابستگی راهبردی به کانال‌های محدود است.

رقابت آمریکا و چین بر تجارت نفت، تحریم‌ها، فنآوری و امنیت مسیرهای دریایی اثر می‌گذارد. چین از یک‌سو مصرف‌کننده بزرگ انرژی و از سوی دیگر شریک اقتصادی مهم ایران است؛ در مقابل، واشنگتن می‌کوشد با ابزارهای مالی و تحریمی بر رفتار خریداران نفت ایران تاثیر بگذارد. این وضعیت برای تهران فرصت‌هایی در گسترش همکاری‌های آسیایی ایجاد می‌کند اما خطر تبدیل‌شدن روابط انرژی به تابعی از رقابت قدرت‌های بزرگ را نیز در پی دارد. سیاست مطلوب باید بر منافع متقابل، تنوع شرکا و افزایش ارزش اقتصادی همکاری‌ها استوار باشد و از اتکای یک‌جانبه به محاسبات ژئوپلیتیکی پرهیز کند.

برخی تحلیل‌های اندیشکده‌ای به طرح‌های انتقال نفت عراق از مسیر ترکیه، اردن یا سواحل مدیترانه اشاره می‌کنند. تحقق این گزینه‌ها به سرمایه‌گذاری سنگین، توافق میان دولت‌ها، امنیت مسیرها و ثبات سیاسی نیاز دارد؛ بنابراین، نمی‌توان آنان را جایگزینی سریع و کامل برای هرمز دانست. بااین‌حال، حتی طرح‌های ناقص نیز می‌توانند در بلندمدت الگوی تجارت منطقه را تغییر دهند و انگیزه کشورها برای کاهش وابستگی به یک گذرگاه را تقویت کنند. برای ایران، پایش این پروژه‌ها باید بخشی از آینده‌پژوهی انرژی باشد و ارزیابی آنان بر پایه ظرفیت واقعی، هزینه، زمان اجرا و پیامدهای تجاری صورت گیرد.

امنیت پایدار تنگه هرمز مستلزم درنظرگرفتن منافع کشورهای ساحلی، صادرکنندگان انرژی، واردکنندگان و بازیگران تجاری بین‌المللی است. تمرکز صرف بر حضور نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، بدون رسیدگی به نگرانی‌های امنیتی و اختلافات سیاسی، ممکن است به چرخه‌ای از تهدید و واکنش منجر شود. از منظر جمهوری اسلامی ایران، گفت‌وگو با عمان و سایر کشورهای منطقه درباره ایمنی دریانوردی، تبادل اطلاعات، مدیریت حوادث و کاهش خطر سوءمحاسبه می‌تواند به تقویت نقش منطقه‌ای ایران کمک کند. چنین رویکردی باید با حفظ حقوق حاکمیتی و رعایت تعهدات حقوق بین‌المللی همراه باشد تا از قابلیت پذیرش و پایداری برخوردار شود.

گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر، بهبود بهره‌وری و برقی‌سازی حمل‌ونقل می‌تواند در بلندمدت ساختار تقاضای نفتوگاز را تغییر دهد. بااین‌حال، سرعت این تحول در کشورها و بخش‌های اقتصادی یکسان نیست و صنایع پتروشیمی، حمل‌ونقل سنگین و برخی فرآیندهای صنعتی همچنان به هیدروکربن‌ها نیاز دارند. بنابراین، برای ایران نه اتکا به فرض استمرار نامحدود تقاضای نفت منطقی است و نه پیش‌بینی حذف سریع سوخت‌های فسیلی. سیاست راهبردی باید سناریوهای متفاوت تقاضا را بررسی کند و درآمدهای کنونی انرژی را به نوسازی فنآوری، افزایش بهره‌وری و توسعه ظرفیت‌های اقتصادی متنوع اختصاص دهد.

بخشی از چالش‌های انرژی ایران به محدودیت‌های خارجی مربوط است اما ناکارآمدی مصرف، فرسودگی تجهیزات، اتلاف گاز و مشکلات سرمایه‌گذاری نیز در بهره‌وری پایین منابع نقش دارند. اصلاح این حوزه‌ها می‌تواند بدون افزایش تولید اولیه، ظرفیت قابل‌استفاده اقتصاد را تقویت کند و امکان تخصیص بیشتر انرژی به بخش‌های مولد یا صادراتی را فراهم آورد. در این چارچوب، نوسازی شبکه برقوگاز، بهبود استانداردهای مصرف، ارتقای فنآوری پالایش و کاهش مشعل‌سوزی باید از اولویت‌های سیاست‌گذاری باشند. اصلاحات داخلی نه جایگزین رفع تحریم‌ها بلکه مکمل ضروری آن است و قدرت مقاومت اقتصاد انرژی در برابر فشارهای بیرونی را افزایش می‌دهد.

تمرکز بر صادرات مواد خام، اقتصاد انرژی را در معرض نوسانات قیمت جهانی و تغییرات سیاست تجاری سایر کشورها قرار می‌دهد. توسعه صنایع پالایشی و پتروشیمی، تولید محصولات با ارزش افزوده بیشتر، ارتقای خدمات فنی و مهندسی و تقویت پیوند میان بخش انرژی و صنایع داخلی می‌تواند این آسیب‌پذیری را کاهش دهد. البته توسعه زنجیره ارزش نیازمند ارزیابی اقتصادی، دسترسی به فنآوری، مدیریت زیست‌محیطی و بازارهای قابل اتکا است و نباید به سرمایه‌گذاری غیرهدفمند منجر شود. برای ایران،

معیار راهبردی آن است که هر طرح انرژی تا چه اندازه ارزش افزوده داخلی، اشتغال تخصصی، درآمد پایدار و قدرت رقابت صادراتی ایجاد می‌کند.

منابع بررسی‌شده درباره آینده بازار انرژی، سناریوهای متفاوتی از بازگشت تدریجی تجارت تا استمرار اختلال و افزایش سرمایه‌گذاری در مسیرهای جایگزین مطرح می‌کنند. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری ایران نباید بر یک پیش‌بینی قطعی از قیمت نفت، رفتار آمریکا یا واکنش کشورهای آسیایی استوار شود. تدوین سناریوهای چندگانه، تعیین شاخص‌های هشدار زودهنگام و ارزیابی مستمر وضعیت صادرات، ذخایر، بیمه دریایی، ظرفیت خطوط لوله و تقاضای مشتریان، امکان واکنش سریع‌تر را فراهم می‌کند. چنین سازوکاری باید میان تصمیم‌های کوتاه‌مدت بحران و اهداف بلندمدت توسعه انرژی ارتباط برقرار کند و از تصمیم‌گیری‌های پرهزینه و شتاب‌زده جلوگیری کند.

مضامین محتوا

فهرست زیر مضامین اصلی و متمایز استخراج‌شده از مجموعه مطالب با محوریت جایگاه ایران در سیاست انرژی آینده جهان را نشان می‌دهد.

1. تنگه هرمز به‌مثابه اهرم ژئوپلیتیکی: موقعیت ایران در مجاورت یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انتقال انرژی، بر محاسبات امنیتی و اقتصادی بازیگران جهانی اثر می‌گذارد.
2. وابستگی متقابل در امنیت انرژی: اختلال در هرمز نه‌فقط بر واردکنندگان، بلکه بر صادرکنندگان منطقه و اقتصاد ایران نیز هزینه تحمیل می‌کند.
3. محدودیت مسیرهای جایگزین: خطوط لوله و مسیرهای پیشنهادی جدید می‌توانند بخشی از جریان انرژی را منتقل کنند اما جایگزینی کامل هرمز با موانع فنی و مالی روبه‌رو است.
4. تحریم به‌عنوان محدودکننده ظرفیت ملی: محدودیت‌های مالی و فنآورانه، فاصله میان منابع انرژی ایران و امکان بهره‌برداری اقتصادی از آنان را افزایش می‌دهد.
5. تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی: گسترش شمار شرکای تجاری و کاهش تمرکز بر کانال‌های محدود، قدرت چانه‌زنی و انعطاف‌پذیری ایران را تقویت می‌کند.
6. رقابت آمریکا و چین بر سر جریان انرژی: رقابت قدرت‌های بزرگ بر خریداران نفت، سازوکارهای مالی، فنآوری و گزینه‌های صادراتی ایران اثر می‌گذارد.
7. دیپلماسی انرژی منطقه‌ای: گفت‌وگو با کشورهای ساحلی و مصرف‌کنندگان عمده می‌تواند به مدیریت بحران، کاهش سوءمحاسبه و تقویت همکاری اقتصادی کمک کند.
8. امنیت دریایی و اعتمادسازی: ایمنی دریانوردی و سازوکارهای ارتباطی منطقه‌ای، مولفه‌های مهم کاهش ریسک و حفظ جریان تجارت انرژی هستند.
9. گذار انرژی و تغییر تقاضا: رشد انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری، لزوم بازنگری در سناریوهای بلندمدت صادرات نفت و گاز را افزایش می‌دهد.
10. اصلاحات ساختاری در مصرف داخلی: کاهش اتلاف، نوسازی شبکه‌ها و ارتقای فنآوری می‌تواند ظرفیت اقتصادی قابل استفاده را بدون اتکای صرف به افزایش تولید تقویت کند.
11. توسعه زنجیره ارزش هیدروکربنی: افزایش سهم محصولات پالایشی و پتروشیمی با ارزش افزوده بیشتر، آسیب‌پذیری ناشی از صادرات خام را کاهش می‌دهد.
12. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی: قابلیت اطمینان تولید، انتقال و صادرات، شرط بهره‌برداری پایدار از منابع و حفظ بازارهای خارجی است.
13. سناریونویسی و هشدار زودهنگام: رصد مستمر بازار، بیمه دریایی، ظرفیت انتقال و رفتار خریداران، امکان تصمیم‌گیری سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر را فراهم می‌کند.
14. تبدیل مزیت جغرافیایی به منافع اقتصادی: جغرافیا زمانی به قدرت پایدار تبدیل می‌شود که با تجارت، زیرساخت، دیپلماسی و مدیریت اقتصادی همراه باشد.
15. تاب‌آوری به‌عنوان هدف راهبردی: ترکیب تنوع بازار، اصلاحات داخلی و روابط منطقه‌ای، توان ایران را برای مواجهه با شوک‌های خارجی افزایش می‌دهد.

جمع‌بندی مضامین:

مضامین بررسی‌شده ناشی از خروجی گزارشهای اندیشکدهها نشان می‌دهد که جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌گذاری انرژی آینده جهان، حاصل تعامل میان موقعیت ژئوپلیتیکی تنگه هرمز، ظرفیت منابع هیدروکربنی، تحریم‌های اقتصادی، رقابت قدرت‌های بزرگ، تحولات بازار جهانی و روند گذار انرژی است. بهره‌برداری موثر از این ظرفیت‌ها مستلزم عبور از اتکای صرف به مزیت جغرافیایی و حرکت به‌سوی راهبردی جامع شامل تقویت زیرساخت‌های تولید و صادرات، تنوع‌بخشی به بازارها و شرکای تجاری، توسعه زنجیره ارزش انرژی، اصلاح الگوی مصرف، ارتقای فنآوری و گسترش دیپلماسی منطقه‌ای است. در

این چارچوب، هدف راهبردی ایران باید تبدیل ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و انرژی به منافع اقتصادی پایدار، افزایش تاب‌آوری در برابر فشارهای خارجی، تقویت قدرت چانه‌زنی در تعاملات بین‌المللی و تثبیت جایگاه کشور در نظم در حال تحول انرژی جهان باشد.

جمع‌بندی و تحلیل راهبردی

مجموعه منابع مورد بررسی اندیشکدهها نشان می‌دهد که ایران در سیاستگذاری انرژی آینده جهان، بهدلیل موقعیت جغرافیایی، منابع هیدروکربنی و همجواری با بازارهای مهم آسیایی، از اهمیت راهبردی برخوردار است. بااین‌حال، این اهمیت به‌تنهایی تضمین‌کننده نفوذ پایدار یا درآمد اقتصادی نیست. ظرفیت تبدیل موقعیت جغرافیایی به قدرت ملی، به زیرساخت‌های قابل اتکا، دیپلماسی فعال، مدیریت ریسک و توان تعامل با مصرف‌کنندگان و همسایگان وابسته است. از این منظر، سیاست انرژی ایران باید از برداشت ایستا از مزیت جغرافیایی عبور کند و آن را در قالب راهبردی جامع برای امنیت اقتصادی، توسعه صنعتی و افزایش قدرت چانه‌زنی بازتعریف نماید.

تنگه هرمز همزمان یک دارایی ژئوپلیتیکی و نقطه‌ای از آسیب‌پذیری متقابل است. اختلال در این گذرگاه می‌تواند هزینه قابلتوجهی بر اقتصادهای مصرف‌کننده تحمیل کند اما بر صادرات، واردات و ثبات اقتصادی کشورهای منطقه نیز اثر می‌گذارد. بنابراین، از منظر منافع بلندمدت جمهوری اسلامی ایران، حفظ ظرفیت بازدارندگی باید با مدیریت مسئولانه بحران و جلوگیری از شکل‌گیری اجماع گسترده برای دورزدن ایران همراه باشد. راهبرد موثر، افزایش قدرت مذاکره از مسیر ترکیب توان ملی، پیوندهای اقتصادی و سازوکارهای منطقه‌ای است؛ نه وابسته‌کردن کل سیاست انرژی به وقوع اختلال در جریان تجارت جهانی.

تلاش کشورهای منطقه برای ایجاد مسیرهای جایگزین، واقعیتی راهبردی است که باید جدی گرفته شود. محدودیت فنی و مالی این مسیرها مانع جایگزینی کامل هرمز در کوتاه‌مدت است اما سرمایه‌گذاری تدریجی می‌تواند در بلندمدت وابستگی نسبی کشورها را کاهش دهد. ایران باید این تحولات را از منظر اثرگذاری بر درآمدهای صادراتی، موازنه منطقه‌ای و نقش خود در شبکه‌های حمل‌ونقل انرژی بررسی کند. توسعه زیرساخت‌های داخلی، افزایش قابلیت اطمینان صادرات و گسترش همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای می‌تواند هزینه کنارگذاشتن ایران از ترتیبات آینده انرژی را برای شرکای احتمالی افزایش دهد.

رفع یا کاهش محدودیت‌های ناشی از تحریم، در کنار اصلاح ساختار داخلی، برای بهره‌گیری پایدار از منابع انرژی اهمیت اساسی دارد. محدودیت دسترسی به فنآوری، سرمایه و نظام بانکی می‌تواند حتی در شرایط برخورداری از منابع غنی، رشد تولید و افزایش ارزش افزوده را دشوار سازد. در مقابل، اصلاح مصرف، نوسازی تاسیسات و ارتقای بهره‌وری، ظرفیت اقتصادی موجود را تقویت می‌کند. سیاست مطلوب باید دو مسیر را همزمان دنبال کند: تلاش دیپلماتیک برای کاهش موانع خارجی و اصلاحات اجرایی برای افزایش کارآمدی داخلی. هیچ‌یک از این دو مسیر به‌تنهایی برای تحقق اهداف بلندمدت کافی نیست.

در عرصه بین‌المللی، آسیا و به‌ویژه اقتصادهای بزرگ واردکننده انرژی جایگاهی محوری دارند. استمرار تقاضای این کشورها می‌تواند برای صادرات نفتوگاز ایران فرصت ایجاد کند اما رقابت میان عرضه‌کنندگان، سیاست‌های تحریمی و تغییر فنآوری، شرایط تجارت را متحول می‌سازد. بنابراین، حفظ روابط موجود باید با تنوع‌بخشی به شرکای تجاری، توسعه محصولات با ارزش افزوده بیشتر و افزایش قابلیت اعتماد عرضه همراه شود. سیاست خارجی انرژی زمانی موثر خواهد بود که روابط سیاسی به نتایج اقتصادی قابل سنجش منجر شود و همکاری‌ها در برابر تغییرات بازار و فشارهای خارجی انعطاف‌پذیری داشته باشند.

گذار انرژی، ضرورت بازنگری در الگوی توسعه ایران را تقویت می‌کند. حتی اگر نفتوگاز در سال‌های آینده همچنان نقش مهمی داشته باشند، تغییر ترکیب مصرف، رشد انرژی‌های پاک و افزایش حساسیت به بهره‌وری می‌تواند مزیت برخی دارایی‌های سنتی را کاهش دهد. ازاین‌رو، درآمدهای حاصل از منابع هیدروکربنی باید تا حد امکان به نوسازی زیرساخت، ارتقای فنآوری، توسعه برق پاک، بهبود بهره‌وری و گسترش صنایع پایین‌دستی کمک کند. هدف آن نیست که منابع متعارف انرژی کنار گذاشته شوند بلکه باید از آنان برای ایجاد اقتصاد متنوع‌تر و کم‌آسیب‌پذیرتر استفاده شود.

جمع‌بندی نهایی این گزارش آن است که راهبرد انرژی جمهوری اسلامی ایران باید بر چهار پایه مکمل استوار باشد: حفظ و ارتقای ظرفیت ژئوپلیتیکی، تقویت تاب‌آوری اقتصادی و زیرساختی، گسترش دیپلماسی انرژی و سازگاری با تغییرات فنآوری و بازار. این چارچوب، امکان می‌دهد که ایران ضمن دفاع از منافع و حقوق خود، از گرفتارشدن در چرخه تنش‌های پرهزینه و وابستگی محدود به صادرات خام اجتناب کند. جایگاه پایدار ایران در نظم آینده انرژی نه صرفا از منابع زیرزمینی یا موقعیت تنگه هرمز بلکه از توان تبدیل این ظرفیت‌ها به همکاری اقتصادی، ارزش افزوده داخلی، امنیت عرضه و قدرت چانه‌زنی مشروع و پایدار حاصل خواهد شد.

پایان/